

زندگی واقعی

طبق سنت سریانی

سطح متوسط

زندگی واقعی

طبق سنت سریانی

عنوان : زندگی واقعی طبق سنت سریانی

تکثیر : محدود ، مفتص استفاده مسیمیان

www.irancatholic.com

فهرست :

فصل اول

زندگی و نجات طبق آئین مقدس ۷۹ - ۴

فصل دوم

زندگی در رازهای اولیه ۱۴۱ - ۵۰

فصل سوم

زندگی در ملکوت طبق سنت سریانی ۲۱۵ - ۱۵۱

فصل اول

زندگی و نجات

طبق آئین مقدس سریانی

مقدمه

آنتون بومستارک (Anton Baumstark) در اثر کلاسیک خود با عنوان آیین سپاسگذاری تطبیقی، ملاحظه قابل توجهی بر آیین سپاسگذاری دارد: «در آیین سپاس-گذاری، ما از قلب زنده کلیسا آگاه می‌شویم. آنجا که دعا‌های ما تا تخت خداوند بالا می‌روند و فیض قربانی بر زندگی مشترک ایمانداران فرو می‌بارد و بدن رمزآمیز مسیح را به تکاپو درمی‌آورد. همان بدنی که رسول درباره آن گفت: یک بار برای همیشه مُرد، تا مرگ دیگر بر او سیطره نداشته باشد.» آیین سپاسگذاری روبرو شدن با حیات خداوند است که یک رویارویی-نجات است. اساس نامه شورای دوم واتیکان در باب آیین سپاسگذاری در ابتدای خود، این واقعیت را چنین برمی‌شمارد: «چرا که نیایش است که از طریق آن، بخصوص در قربانی

الاهی آیین سپاسگذاری، کار نجات ما به انجام می‌رسد.» همین اساس‌نامه تا به آنجا ادامه می‌یابد که می‌گوید: همچنین مسیح اراده فرمود تا کار نجات که رسولان آنرا وعده می‌دادند، در راستای قربانی و آیین‌های مقدس قرار گیرد، که تمامی حیات عبادی پیرامون محور آن می‌گردد.» جشن آیین سپاسگذاری مقدس برترین جایگاهی است که زندگی و نجات مسیح در آن ارائه شده، مورد تبادل قرار گرفته و تجربه می‌گردد. به هر روی در بیداری تأثیر فراگیر فرقه‌های جدید مسیحی و گروه‌های مذهبی شرقی و روابط نسبی سکولاریزاسیون و مادی‌گرایی، جنبه واقعی و متبرک زندگی و نجات که در آیین‌های سنتی عبادی آمده، مورد بازنگری قرار گرفته است. آیا واقعیت زندگی و نجات راستین در سنت‌ها و نیایش‌های گسترده کلیسا کم رنگ شده است؟ و یا آنکه به هیچ وجه به

خوبی در سنت‌های عبادی توضیح داده نشده است؟ به هر
روی، هنگام بررسی قربانای مقدس سریانی شرق، به
عنوان یک نمونه در این باب، با واقعیتی کاملاً وارونه
روبرو هستیم. این بررسی تلاشی است برای ترسیم
مضمون معروف نجات، با تمرکز بر قربانای مقدس
سریانی شرق، در دورنمای وسیعی از نیایش تن و خون
مسیح در آیین سپاس‌گذاری (*Anaphoras*).

۱- زندگی و نجات: یک نگاه اجمالی تطبیقی به دعای

سنتی تن و خون مسیح

دعاهای آیین سپاسگذاری سنتی به حدی سرشار از ارجاع به حیات و نجات اند، که بیشتر آنها تماماً دربرگیرنده فرض متقدم آیین سپاسگذاری هستند. به عنوان نمونه، دعاهای آیین سپاسگذاری در فصل نهم دیداش (*Didache*) به "زندگی و دانشی" که خداوند از طریق فرزندش عیسا شناساند، اشاره می کنند. دعای شکرگذاری در فصل دهم "دانش، ایمان و جاودانگی را که خدا از طریق فرزندش عیسی شناساند" را می طلبند.

شکل نهایی نیایش مرقس قدیس در مقدمه خود چنین اعتراف می کند: "... تو او (انسان) را از طریق این راز شگفت، حیات بخش و آسمانی، دوباره شکل داده و نو

کردی...". نیایش مصری بازیل قدیس چنین یادآوری می‌کند: " او (مسیح) راه رستگاری را به ما نشان داده، عطا کرد که از نو به وسیله آب و روح از بالا زاده شویم و با تقدیس ما توسط روح القدس، از ما انسانهایی ساخت که مالک خویشتن هستند...". نیایش مصری سراپیون (Serapion) پدر حیات و نجات را شکر می‌گوید: " تو را سپاس می‌گوییم ای پدر، ای پدیدآور جاودانگی، تو سرچشمه زندگی، سرچشمه نور، سرچشمه تمامی فیض و راستی هستی. دوستدار انسان و دوستدار فقیران. تو همگان را با آمدن پسر محبوبت با خویشتن آشتی داده و به سوی خود کشیده ای". نیایش یقوب قدیس می‌گوید: " پس از آن تو پسر یگانه خویش را به جهان فرستادی تا تصویر تو را دوباره نو کند... او در میان آدمیان ساکن شد و همه چیز را برای نجات نوع ما مهیا ساخت". نیایش بیزانتی

بازیل قدیس به وضوح تجربه نجات در مسیح را شرح می‌دهد: "با شهربوند این جهان شدن او به ما فرامین نجات را عطا کرد، ... و ما را به دانش تو خدا و پدر راستین رسانید؛ او ما را برای خود به دست آورد، مردمی غریب، کهناتی شاهانه، امتی مقدس و آنگاه که ما را با آب شسته و با روح القدس تقدیس نمود، خود را به عنوان قربانی گناه تقدیم کرد، گناهی که ما توسط آن در بند شده و به آن فروخته شده بودیم".

دعای فراخوان روح القدس در نیایش تن و خون مسیح دوازده رسول درباره آیین سپاس گذاری چنین درخواست می‌کند: " که برای تمامی شرکت کنندگان حیات و رستخیر، آمرزش گناهان، سلامت جسم و جان، روشنائی ذهن و قوت در برابر تخت داوری مهیب مسیح... باشد که ما به واسطه فیض و رحمت و محبت تو به آدمی، از

رازهای آسمانی، جاودان و حیات‌بخش تو همیشه و همواره بهره‌مند گردیم». دعای فراخوان روح‌القدسِ قدیس یوحنا‌ی زرین‌کام نیز درخواست مشابهی دارد: " باشد که این‌ها (تن و خون) برای شرکت‌کنندگان، مراقبت روح برای همراهی با روح القدس، به همراه آورند، برای پُری پادشاهی آسمان، برای جسارت حضور در برابر تو، اما نه برای داوری یا محکوم شدن. " نیایش رُم چنین اعتراف می‌کند: "... ما به والا حضور خجسته‌ی تو، هدایا و موهبت‌های خود تو را تقدیم می‌داریم؛ یک قربانی خالص، یک قربانی بی‌عیب، نان مقدس زندگی جاودان و جام رستگاری ابدی. "

۲- واژه‌شناسی حیات و نجات در آیین‌نمایشی سریانی

شرق

در دعا‌های کهنِ تن و خون مسیح در سنت سریانی شرق، ویژگی‌های حیات و نجات با اصطلاحات غنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. شایان توجه است که اصطلاح *hayā* در سریانی هم به معنی زندگی (حیات) و هم به معنی رستگاری است. عبارت *M'hayana* که از آن گرفته شده است به معنی حیات‌بخش، تسریع‌کننده یا احیاکننده، در موارد بسیاری در آیین‌نمایش از جمله در ارتباط با نام خداوند، رازهای آیین سپاسگذاری، و قربانای مقدس به کار رفته، آنها را در فراهم آوردن نجات توصیف می‌کند. واژه دیگر در زمینه نجات *purqānā* است که از ریشه *prq* گرفته شده است که به معنای بازخرید، خونبها یا

نجات است. واژه‌ی *hasi* و واژگان مرتبط با آن نظیر *hasyānā* ، *mhasyānā* به معنی دلجویی، کفاره، پاکسازی یا بخشش است. ریشه *šbq* و کلماتی نظیر *šbuq* ، *šbuqānā* در زبان سریانی با بیان رهایی، گذشت و بخشش، دلالت ضمنی بر نجات مسیحایی دارند. کاربرد واژه‌ی *zbn* که به معنی خریدن، خونه‌ها و بازخرید است، اشاراتی به نجات در بر دارد. عباراتی نظیر *paça* ، *paçitā* (رهاندن از شر)، *šare* ، *šary* (رهاکردن، آزادکردن، تبرئه کردن، معاف کردن، حل-کردن)، *anehm* (روشن کردن) ، نیز در آیین‌نمایش معنای ضمنی رستگاری را در بر دارند. آیین‌های نمایش با تزکیه و خلوص در ارتباط اند، که با کلمات *qdš* و *š* *metqa* بیان شده است. همچنین عباراتی نظیر *mdabbrānutā* (تقدیر الهی) ، *qublā* (پذیرش) ،

škahtā (دریافتن) ، *punya* (بازگشت) ، *sabrā*
rabba (امید عظیم) ، *hayyē d-hadtā* (زندگی
 نوین) ، *pumē ptiḥē w-apē yaliatā* (با روی
 گشوده و لبان بی حجاب)، و *parhsyā* (با روی
 گشوده)، *hayē l'almā* (زندگی جاوید) که همه آنها
 به جنبه‌هایی از رستگاری و زندگی نوین اشاره دارند.

۳- حیات و نجات: یک بررسی متنی بر قربانای سریانی

شرق

در این بخش سعی شده است که نشان داده شود چگونه حیات و نجات در جشن آیین سپاسگذاری کلیسا، بیان شده، اعتراف گردیده و مورد تبادل قرار می گیرد. سراسر آیین نیایش این احساس را به وجود می آورد که تجربه نجات در آیین سپاسگذاری سریانی شرق چیزی است که از پیش انجام شده اما هنوز به پایان نرسیده است. نیایش ها و سنن عبادی چنان گشوده اند که تمامی اعضا، اعم از شرکت کنندگان و اجرا کنندگان و ایماندارن، وارد یک فرآیند تطهیر و تزکیه می شوند که به تجربه نجات می - انجامد، تجربه ای که با نگاه به برآورده شدنش در جهان آینده، جاری شده است.

۱-۳ نیایش سرآغاز (Enarxis) : دعای پاشویان
(Mandatum) و نیایش جلال (Gloria)

دعای سرآغاز که مقدمه ای بر آیین سپاسگذاری و به طور خاص آیین کلام خدا است، به هدف آیین جشن، تزکیه و نجات اشاره می کند. در مالابار آیین سپاسگذاری با دو تکه کلام آغاز می شود؛ Pukdankon-Puqdanē Dmasiha که یادآور تأسیس راز قربانی مقدس در شام آخر و پاشویان (لو ۲۲: ۱۹-۲۰) است. این اشاره ای به هسته ی نجات بخش آیین سپاسگذاری، در پوشش یک جشن است. آیین سپاسگذاری یک واقعیت الهی است که در آن " آن بدن برای حیات جهان پاره شده است " (یو ۵۱: ۶) و " خون به جهت بخشایش گناهان بسیاری ریخته شده " (مت ۲۶: ۲۸)

دعای جلال (Gloria) که در پی می‌آید نیز این معنای
تلویحی نجات را در بر دارد که سرود فرشتگان با دعای
پاشویان (Mandatum) همراه می‌شود و باز چگونگی
تأسیس راز الاهی نجات را که از آسمان به زمین آمده و
به ما رسیده را نشان می‌دهد: نسخه سریانی متن " صلح و
امید خوب بر مردمان نیک زمین باد" (لو ۲: ۱۵)، نشان
می‌دهد که رهایی و نجات راستین در تن‌گیری افتتاح شده
است. این به آن معنا است که آرامش و رستگاری راستین
مسیح (یو ۱۴: ۲۷)، از راهی که یگانه پسر به ما آموخته
است، در اختیار تمام آنانی است که خداوند را در آسمان
جلال می‌دهند.

۳-۱-۱ دعای نخستین "ای پدر ما"

دعای نخستین "ای پدر ما" (Pater Noster) برای
ترکیب تمامی جشن با نیایش مسیح است، که در آن طلب

رسیدن ملکوت، تحقق اراده خداوند، طلب خوراک و
رهایی از بدی‌ها و شریر، با مضمون نجات آمیخته اند.

۳-۱-۲ دعای نخست کشیش

دعای نخست کشیش برای یکشنبه‌ها و جشن‌ها لحن
تمامی دعا‌های آیین سپاسگذاری را با هدف آن یعنی
حیات نوین و رستگاری هماهنگ می‌کند. با بکارگیری
واژگان مسیح‌شناختی سریانی شرق می‌توان چنین گفت:
رازهای مقدس آیین سپاسگذاری به واسطه رحمت پسر
محبوب تو برای نوسازی و رهایی ما از طبیعت (انسانی)
ضعیف خو، به ما عطا شد.

دعای تعیین‌شده برای جشن خداوند هنوز بیشتر گویای
جنبه‌های نجات‌بخش کل جشن است. این دعا طلب می-
کند که شخص بتواند برای ستایش خداوند که با رحمت

الاهی خویش نجات را ارزانی ما داشته با تن و جان پاک
و قلب طاهر، در رازهای تزکیه کننده و مغفرت طلبانه
شرکت جوید. این دعای کشیشی اعلام می کند که جشن
سپاسگذاری جشن موهبت نجات است.

۳-۱-۳ مارمیتا (Marmita)

مزامیر مارمیتا که خود نیایشی مرکب از سه مزمور برای
جشن ها است، به دقت برگزیده شده اند تا نشاندهنده وعده
نجات خداوند برای تمامی مظلومان و محرومان باشد.

" خداوند دست همه کسانی را که در حال افتادن هستند
می گیرد، و همه خم شدگان را برپا می دارد "

" چشمان همگان به انتظار توست و تو روزی شان را در
وقتش می رسانی "

مزمور ۱۴۵ همین مضمون را در بر دارد: " خداوند
گرسنگان را خوراک می‌دهد، خداوند زندانیان را آزاد
می‌سازد، خداوند چشمان کوران را می‌گشاید، خداوند خم-
شدگان را برمی‌افرازد، خداوند پارسایان را دوست می‌دارد،
خداوند بر غریبان دیده‌بانی می‌کند و حامی یتیمان و بیوه-
زنان است، اما راههای شریران را بی‌فرجام می‌گذارد."

همچنین مزمور ۱۴۶ این سیر فکر را ادامه می‌دهد:
"خداوند اورشلیم را بنا می‌کند و رانده‌شدگان اسرائیل را
گرد می‌آورد، دلشکستگان را التیام می‌بخشد... خداوند
فروتنان را برمی‌افرازد، اما شریران را بر زمین می‌افکند."

از آنجا که مارمیتا در جشن‌ها نجات خداوند را به فروتنان و دلشکستگان وعده می‌دهد، مارمیتای ایام عادی مرکب از مزموهای ۱۵، ۱۵۰ و ۱۱۷ است که بر آمادگی درونی و تزکیه وجدان و شکرگذاری از سوی نیایشگر برای رسیدن به نجات خداوند، تمرکز دارند. مزمو ۱۵ که کمک می‌کند تا جماعت با قلب‌ها و ذهن‌های خالص رو به قربانگاه خداوند بایستند، بسیار به‌جا است. پرستنده‌ی راستین کیست؟ نجات ارزانی چه کس شده است؟ آنکه در خیمه خداوند میهمان شود و در کوه مقدس او ساکن گردد. آنکه در صداقت گام بردارد و درستکار باشد و از دل راست بگوید. که به زبان خویش غیبت نکند و به همسایه‌اش بدی روا ندارد، آنکه به قول خویش وفا کند و پول خود را به ربا ندهد و رشوه بر ضد بیگناه نپذیرد.

آنانکه اینها را به جای آورند پارسا هستند و در راه نجات،
نیایش راستین ارزانی خداوند می‌دارند.

۳-۱-۴ The Onita D-Qanke: سرود محراب

سرود محراب آوازی است که جماعت در هنگام تکریم
صلیب مقدس در صفوف منظم رو به محرابگاه می‌خوانند.
دعای معرف سرود به قدرت رستگارکننده‌ی قربانگاه
مقدس (mhasyānā madbahā). سرود محراب آواز
راستینی درباره نجات است، که قدرت نجات‌بخش سمبل
صلیب را نشان می‌دهد. "صلیبی که سبب خیر همه ما
بوده است، که توسط آن انسانیت میرای ما آزاد شد.
خداوندا، برای ما قلعه‌ای استوار باش و ما با این صلیب بر
شریر و تمامی اسباب او پیروز خواهیم شد."

۳-۱-۵ سرود Lakhu Mara

سرود Lakhu Mara (تو ای خداوند) که مسیح را به عنوان نجات دهنده بشریت معرفی می‌کند، نقطه اوج نیایش سرآغاز (Enarxis) است. رسوم عبادی، دعاها و آوازه‌های مربوط به lakhu mara نیز به مضمون نجات را در خویش حمل می‌کنند. دعای بخورسوز که پیش از آن می‌آید "احترام" خداوند و نجات مردم او را طلب می‌کند. سرود lakhu mara در اصل به هنگام ورود برگزارکنندگان به قربانگاه و گشوده شدن پرده حائل، به همراه شماسان و دیگر خادمین که صلیب، انجیل، بخورات و شمع را حمل می‌کردند، خوانده می‌شد. تمامی این رسوم اشاره‌ای است به پذیرش رسمی مسیح یعنی آن منجی آسمانی، از طریق سمبل‌های صلیب و انجیل است. دعا‌های lakhu mara، معرف کلیسا است که در جایگاه برکت

روحانی قرار دارد، گاه ناتوان در شکر گذاری کافی نسبت به خداوند و همواره نشان‌دهنده امید نجاتی که از پیش برقرار گردیده اما تمام نشده است. دعای یکشنبه‌ها و جشن‌ها چنین درخواست می‌کند: " هنگامی که رایحه شیرین محبت دلنشین تو، ای خداوند و خدای ما، بر ما می‌دمد و روح‌های ما با دانش حقایق تو نورانی می‌گردد، باشد که ما لایق آن گردیم، تا با مکاشفه‌ی آن محبوب تو در آسمان روبرو شده و آنگاه تو را اعتراف کرده، بی‌وقفه در کلیسای خجسته‌ی مملو از کمک‌ها و برکات تو، تو را جلال دهیم..."

نیایش روزهای یادبود و ایام عادی نیز همین تجربه نجات را به اشتراک می‌گذارد:

برای تمامی یاری‌ها و فیض‌های تو به ما، که غیرقابل
جبران است، ما تو را اعتراف کرده، در کلیسای
تاجگذاری تو که مملو از تمامی یاری‌ها و فیوضات
است، تو را بی‌وقفه جلال می‌دهیم...

دعای lukha mara مسیح را به عنوان نجات‌دهنده‌ی تن
و روح می‌ستاید:

خداوند همگان، ما تو را می‌ستاییم؛ عیسای مسیح ما تو را
جلال می‌دهیم؛ چرا که تو احیاکننده بدن‌های ما و منجی
رثوف روح‌های ما هستی.

چنانکه در ادامه این گزینه آمده است، با به کارگیری
جنبه سه‌گانه آدمی، این دعا مسیح را به عنوان منجی بدن
(pagrā)، روح (napsā) و زندگی (hayā) ما برمی-
شمارد (اول تسا ۵ : ۲۳). این آواز و این گردآوری در

نیایش آغازین اعلام می‌کند که مسیح منجی همه‌جانبه‌ی
سراسر جهان است.

۲-۳ حیات و نجات در آیین کلام خدا

آیین کلام خدا توسط Trisagion معرفی می‌شود که
تقاضایی است از " خداوند مقدس، قادر و جاودان " که
توانای تمامی یاری‌ها و مرحمت‌ها است. Trisagion
توسط شماسان معرفی می‌شود، اندرزی است برای ستایش
خدای زنده که هر دو معنای خدای زنده و خدای نجات-
دهنده را توأمان دارد. از این گذشته Trisagion یادآور
دیدگاه اشعیا است که به پاکسازی و گماشته‌شدن پیامبر
می‌انجامد. (اشعیا ۶: ۱-۱۳) و بنابراین جماعت پرستنده را
به رفتن به همان تجربه‌ی مکاشفه خداوند، تزکیه و حکم

الاهی از سوی او در شاهد بودن بر کلام خدا، دعوت می-
کند. دعای پیش از قرائت کتاب مقدس، جایی است برای
اشاره به جنبه‌های رهایی‌بخش کلام خدا:

ای خداوند و ای خدای ما انگیزهای اندیشه ما را روشن
کن تا نجوای شیرین احکام الاهی و حیات‌بخش تو را
بشنویم؛ و در فیض و رحمت‌های خویش عطا فرما که ما
در آنها منفعت محبت و نجات را بیابیم، که هر دو در
خدمت جسم و روح‌اند، ای خدای همگان باشد که تو را
همواره بی‌وقفه و استوار ستایش کنیم...

در دعای بعد از انجیل همچون نوری که عقل را روشنی
بخشیده و روح را منور می‌کند معرفی شده است. این دعا
فیض تعمق بر متون و هدایت توسط احکام حیات‌بخش
الاهی را می‌طلبد. نمونه دیگری که به حیات و نجات اشاره

دارد دعای کشیش هنگام برداشتن کتاب مقدس و پیش از قرائت است: "جلال باد بر رحمت‌های جاودانی که تو را به سوی ما فرستاده اند، ای مسیح، ای نور جهان و ای حیات همگان".

دعای انجیل نقش رهایی بخش انجیل را بیان می‌کند. که به عنوان کتاب "منجی ما مسیح پادشاه" معرفی می‌شود. Turgama که یک آواز تفسیری پیش از انجیل است سرشار از اشاره به حیات و نجات است: انجیل تن را شفا بخشیده به روح زندگی می‌بخشد؛ او مملو از زندگی و شادمانی است؛ کلام حیات بخش ارواح بد و شریر را بیرون می‌رانند، انجیل دروازه منزلگاه آسمانی است، روشنی و حقیقت و زندگی است و...

دعای خاموش پیش از انجیل خط سیر مسیر نجات را در راستای کلام خدا به تصویر می کشد:

۱ ما را در شریعت خود خردمند گردان؛ ۲ ذهن ها ما را در حکمت خود روشن گردان؛ ۳ روح های ما را با حقیقت خود مقدس کن؛ ۴ تا ما در اجرای احکام تو همواره فرمانبردار باشیم، ای خدای همگان...

نیایش بخورسوز که به رایحه ی شیرینی که از جانب مسیح برخواسته و خانه را پر کرد (یو ۱۲: ۳)، و برپا داشتن دو شمع در زمان خواندن انجیل، به قدرت تطهیرکننده و روشنی بخش کلام خدا اشاره دارند.

نیایش تمایل (inclination prayer) که پیش از ترخیص نوآموزان مسیحی انجام می شود، کلیسای پرستنده را به عنوان جماعت نجات یافته ترسیم می کند، که

گوسفندان شبان خویش اند که توسط مصائب عظیم مسیح
خریده شده اند.

۳-۳ حیات و نجات در نیایش‌های پیش از دعای تن و
خون مسیح (pre-Anaphora)

مراسم و نیایش‌های پیش از دعای تن و خون مسیح نیز
در ارجاع به نجات غنی هستند. نخستین نمونه در دعای
شستن دست‌ها دیده می‌شود: "باشد که خدای همگان
ناپاکی قرض‌ها و گناهان ما را با ریزش (باران) شفقت
خود بر ما پاک کند، و باشد که او لکه‌های جرم ما را در
اقیانوس عظیم رحمت خود بشوید."

نیایش هنگام برداشتن جام و سینی به شکل صلیب در
قربانگاه، گویای جنبه نجات‌بخش قربانای مقدس است: "
باشد که مسیح که برای بازخرید ما قربانی و به با فرمان

داد که یادبودی از مرگ و تدفین و رستاخیز او به جا آوریم، این قربانی را از دستان ما بپذیرد..." این متن کوتاه خاطرنشان می‌کند که سرچشمه نجات ما قربانی مسیح است، که اثر آن در جشن کلیسا مورد تبادل قرار می‌گیرد. در ایام روزه دعایی دیگر به این نیایش افزوده می‌شود که به رستگاری و حیات اشاره دارد: "باشد که رازهای مقدس که با فیض و رحمت مسیح برای نجات ما کامل شده، برای نجات آنان که برای همیشه آنها را دریافت می‌کنند باشد." قربانگاهی که هدایا بر آن نهاده می‌شود به عنوان قربانگاه تسکین بازشناخته می‌شود.

نیایش تمایل، پیش از ورود عظیم، جماعت پرستنده را به عنوان مردمانی که به تطهیر و نوسازی برای آیین نیایش فراخوانده شده اند، به تصویر می‌کشد:

قلب‌های ما شسته‌شده و از وجدان شریر پاک شده است،
تا ما شایسته حضور در والاترین جایگاه مقدس گردیم و
در پاکی و خلوص و تقدس در برابر قربانگاه تو بایستیم
و قربانی‌های شایسته روحانی را در ایمان راستین تقدیم
کنیم.

کاروزوتا (kārozutā) در هنگام ورود عظیم نیز
مضمون حیات و نجات را پی می‌گیرد: "... باشد که
خداوند در رستاخیز تاج بر سر ایشان گذارد و به همراه
ایشان به ما نیز امید نیک ارزانی، میراث و حیات در
ملکوت آسمان ارزانی دارد... باشد که این تقدیم نان
پذیرفته گردد... باشد که با فیض مسیح، برای ما در
پادشاهی آسمان، یاری و نجات و به جهت زندگی
جاودان باشد.

دعای تقدیم شده به Barsuma در خلال ورود عظیم،
مؤید جنبه نجات جهانی تقدیم نان است:

... تو مرا در شفقت خود به سوی خویش کشیده ای و مرا
همچون عضو شناخته شده ای در تن عظیم کلیسای جامع
خود قرار داده ای تا من این قربانی زنده ، مقدس و
پذیرفتنی را به تو تقدیم کنم؛ که یادبود رنج و مرگ و
رستاخیز سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح است، که تو
در او شادمان و راضی هستی تا گناهان تمامی بشر را
ببخشی.

Kusāpā (استدعای خاموش کشیش) پیش از نیایش تن
و خون نیز بخشش و نجات را به عنوان هدف جشن
مشخص می کند: "... ما را توان و کفایت عطا فرما تا این
قربانی برای گناهان ما موجب بخشش گردد.

۳-۴ جنبه‌های نجات‌بخش در نیایش‌های تن و خونِ
آدّای (Addai) و ماری (Mari) رسول

سرچشمه تمامی ارجاعات به حیات و نجات را می‌توان
در نیایش‌های تن و خون مسیح که قدیمی‌ترین و اساسی-
ترین بخش دعا‌های آیین‌نیایش را تشکیل می‌دهند،
جست. تعداد قابل توجه‌ای از نمونه‌هایی که ابعاد نجات-
بخش آیین‌شکرگذاری را نشان می‌دهند را می‌توان در
دعایی با نام گهانتا (G'hanta) (دعای تمایل در نیایش
تن و خون مسیح که با دست‌های باز انجام می‌شود) و نیایش
های مربوط به آن یافت.

ارجاع به حیات و نجات نخست در kusāpa به هنگام
بوسه‌ی آشتی دیده می‌شود، که قربانا را با عنوان " زنده
و مقدس " توصیف می‌کند. دعای بخوری که پس از

گهانتای نخست می‌آید به بخشش "خادمین و مردمانت" اشاره دارد. Kusāpa پیش از گیهانای دوم، خدمتِ آیین-شکرگذاری را برای شایستگی نجات بخش آن، زنده و مقدس توصیف می‌کند.

گهانتای دوم در برابر قدس، نجات را به عنوان فرض اول مسیر anamnetic نشان می‌دهد: " (تو) سه‌گانه اقدس) جهان را با فیض او و ساکنانش را در محبت او خلق کردی؛ " آنکس که بشریت را توسط شفقت خویش نجات داد" و به آدمیان فانی فیضی عظیم نشان داد.

Kusapā در حین دعای قدس، دربرگیرنده احساسات اشعیا در رؤیای آسمانی (اشع ۶ : ۱-۱۳)، طلب پاکی و تقدس می‌کند، که به نجات می‌انجامد: " نافرمانی ما را پاک کرده و لبان و ذکرهای ما و آوای نیاز ما را با نوای

"قدوس‌های" سرافیم و "هللویاهای" فرشتگان تقدیس
نما."

گهانتای سوم روایت محوری نجات در تمامی آیین-
سپاسگذاری است، که در حقیقت یک روایت عارفانه‌ی
بی‌مانند است از جنبه‌های نجات که در تن‌یافت مسیح به
آدمی عطا شده:

تو در آنچه بر انسانیت ما نهاده‌ی تا آن را با الوهیت
خویش احیا نمایی، فیض عظیم غیرقابل‌جبران را بر ما
آشکار کردی. و تو پستی ما را بلند گردانیدی و ما را از
سقوط خویش باز گردانیدی، تو ما را از فانی‌بودنِ خویش
برخیزانیدی و تو قرضهای ما را بخشیدی و ما را از گناهان
خویش مُبری کردی، تو خرد ما را منور کردی و دشمنان

ما را ای خداوند و ای خدا ما، محکوم نموی و در فراوانی
رحمت‌های فیض خویش، پیروزی را ارزانی ما کردی.

نیایش Kusapa شفاعت که پس از عبارت تسبیحی
می‌آید به ابعاد جهانی نجات که تقدیم نان و شراب به
بخش‌های مختلف کلیسا و به جهان، به خصوص به فقیران
و افتادگان تقدیم می‌کند، اشاره می‌کند. مسیح زندگی
خود را برای بازخرید بسیاری داد (مت ۱۰: ۲۸) و این
منطق گویای نیایش‌های تن و خون مسیح برای شفاعت
است، که در عوض بیانگر ابعاد تطبیقی قربانی کلیسا است.
قربانا برای تمامی کلیسای کاتولیک تقدیم می‌شود؛ انبیا،
رسولان، شهدا و معترفین؛ برای تمامی سوگواران و
درماندگان؛ برای نیازمندان و آرزندگان؛ برای کشیشان،
شاهان و صاحب‌منصبان؛ برای بیماران و پریشان‌حالان؛

برای رفتگان و درگذشتگان؛ برای شرکت کنندگان و
برگزار کنندگان.

به همین ترتیب نیایش kusāpā مردگان ارائه کننده‌ی
طبقه‌بندی غنی‌ای از جهان دیده و نادیده است به این
ترتیب بیان کننده جنبه‌های همزمانی و در زمانی جشن
می‌باشد. قربانا تقدیم می‌شود:

برای صلح و امنیت جهان؛ برای محافظت از کلیسای
مقدس خداوند؛ برای افزایش ایمان؛ برای تعالی پارسایان؛
برای قطعیت (پاکی) گناهکاران؛ برای پذیرش توبه کاران؛
(برای جستجوی گمشدگان؛ برای وجود خانواده) ؛ برای
بازگشت دورافتادگان؛ برای شجاع ساختن ضعیفان؛ برای
تقویت مضطربان؛ برای آرامش پریشان حالان؛ برای شفای

بیماران؛ برای حمایت تنگدستان؛ برای نکوداشتِ
درگذشتگان...

به همراه اینها، برای کشیش ممکن است که نامها و
تقاضاهای دیگر را به این لیست بیافزاید.

گهانتای چهارم شفاعت تن و خون مسیح است که منشأ
و منبع الهام kuspana ذکر شده است.

قربانی نجات‌بخش جهانی مسیح، با یادآوری پدران
پارسا و عادل که خداوند از ایشان خشنود بود، شفاعت را
در کلیسا به جریان درمی‌آورد؛ شفاعتی که از انبیا،
رسولان و شهدا و هر عضو کلیسا به "تمامی ساکنان
زمین" گسترش می‌یابد.

نخستین استدعا در این شفاعت برای "آرامش و صلح
تو" در تمامی ایام جهان است. در اینجا عبارت "صلح و

آرامش خداوند" به معنای رستگاری از جانب خداوند است. برای نمونه این بخش از انجیل سریانی (مت ۱۱: ۲۸): " به نزد من آیید ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آرامش خواهم بخشید. یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید زیرا ملایم و آرام هستم"، آرامش را درست مانند موهبت بودن با مسیح، به عنوان یک ویژگی زندگی با مسیح، توصیف می‌کند. ورود به آرامش خداوند، چنانکه مز ۹۵: ۷-۱۱ و عبر ۳: ۱۱؛ ۴: ۳ اشاره می‌کنند، به معنی حیات و رستگاری در خداوند است. بنابر این طلب "آرامش و صلح" به بُعد نجات‌بخش آیین سپاسگذاری اشاره دارد.

بخش بعدی نیایش طلب شفاعت نشاندهنده آن است که تمامی ساکنان زمین " صلح و آرامش" را از طریق دانش منجی یگانه جهان که از طرف تنها خدای راستین

پدر از طریق انجیل حیات بخش و نجات‌دهنده فرستاده شده، می‌یابند. پسر در خلال قرون تمامی "خلوص و تقدس" را به اعضای کلیسا (شامل انبیا، رسولان، معترفین، اسقفان، معلمان، کشیشان، شماسان و کودکان کلیسای کاتولیک که با "نشان حیات‌بخش و نجات‌دهنده تعمید" مهر شده اند) تعلیم داد. در اینجا اشاره به "انجیل حیات بخش و نجات‌دهنده"، "خلوص و تقدس" و "نشان حیات-بخش و نجات‌دهنده تعمید" همه به نجات و زندگی نوین در مسیح اشاره دارند. بندی که نیایش شفاعت را به پایان می‌رساند نیز به بُعد نجات‌بخش قربانا اشاره دارد:

خادمان حقیر تو که در نام تو گردآمده اند ... این راز الاهی عظیم و شگفت و مقدس و حیات‌بخش رنج و مرگ و رستاخیز خداوند و منجی ما عیسی مسیح را در تو به یاد آورده، برافراشته، جلال داده و جشن می‌گیرند.

۳-۴-۱ حیات و نجات در دعای طلب روح القدس (Epiclesis)

نیایش طلب روح القدس بیانگر فرآیند تقدیس شرکت-کنندگان و هدایت ایشان به نجات و حیات در بهشت است: "... ای خداوند باشد که این (مراسم) برای ما (باعث) بخشش قرضها و بخشایش گناهان و امید برخاستن از مردگان و زندگی نوین در ملکوت آسمان با تمامی آنان که تو از ایشان خوشنودی باشد. " همچنین دعای بعدی نیز رنگ و بوی نجات را در خود دارد: " برای حساب این نجات عطا شده به ما، تو را بی وقفه در کلیسای نجات یافته‌ات اعتراف کرده، با خون پربهای مسیح، با دهانهای باز و رویهای بی نقاب، جلال می‌بخشیم.

تمام دعای تن و خون آدای و ماری رسول به ما یادآوری می‌کند که نجات، کار سه‌گانه اقدس است. بخش اصلی این نیایش با ستایش سه‌گانه‌ی اقدس برای خلقت و نجات آغاز می‌شود و تا گهانتای بعدی که مسیح و تجربه نجات فراهم آمده توسط او را خطاب قرار می‌دهد، ادامه می‌یابد. و سرانجام، در این نیایش، روح‌القدس مورد استغاثه قرار می‌گیرد تا بر هدایا نازل شود، باشد که شرکت‌کنندگان در آنها نجات و حیات ابدی را بیابند.

۳-۵ حیات و نجات در نیایش تن و خون تئودور

اشاره به نجات در آیین‌سپاسگذاری تئودور، بسیار فراگیرتر و اعلام شده‌تر اند، آیینی که به منظور استفاده در اولین یکشنبه بشارت میلاد تا یکشنبه نخل تدارک دیده شده است.

گهانتای اول به شکلی تجربی از طریق " تقدیر مهیب
مسیح " بیانگر نجات است: " تو، که از راه شگفت و مهیب
تقدیر یگانه پست؛ عیسیای مسیح؛ سرور ما، بر انسانیت
ما تأثیر گذاشته ای، برای ما " بازیابی حیات نوین " را به
ارمغان آورده ای. و ضمانت روح القدس را در قلبهای ما
نهاده و فراتر از آن ما را با فیض خویش، ما را شایسته‌ی
فهم این رازهای مقدس و پر جلال کردی... تا ما نه تنها
آنها را پیشکش کرده به انجام رسانیم بلکه در آنها شرکت
جسته، مشارکت داشته باشیم. " نیایش تا اعتراف به اینکه
قربانای کلیسا " زنده، مقدس، پذیرفتنی و عاری از
خونریزی است. "

نیایشِ گفتگو، اهدای نان را " اهدای نان زنده و درخور
نوبر ما، و قربانی کشته نشده و پذیرفتنی پسر نسل ما... "
می نامد. دعا با بیان ابعاد کلیسایی و جهانی قربانی مسیح

که با شهادت قهرمانانه فرزندان کلیسا در تاریخ گسترده شده است ادامه می‌یابد: قربانی زنده و درخور پسر، که پیامبران آن را در راز تصویر کردند و رسولان آشکارا اعلامش نمودند و شهیدان با خون خویش آن را خریدند، و عالمان کلیسا آنرا تشریح کردند و کاهنان بر بالای قربانگاه مقدس قربانی کردند، و لایوان بر بازوان خویش حمل نمودند و ملت‌ها برای بخشایش گناهان خویش آن را دریافت نمودند، برای تمامی خلقت تا نهایت آن به خداوند تقدیم شده است؛ خدای همگان."

گهانتای دوم روایت زیبایی حاکی از نجات در بستر ارزشهای محیط ارائه می‌کند:

... برای ما آدمیان و برای نجات ما، یگانه مولود، خداوند کلام، او که به شباهت خداوند است، هم‌ارز خداوند

بودن را غنیمت نشمرد بلکه خود را تهی کرده و شباهت
غلام را بر خود گرفت، ... او تمامی این تقدیر عظیم و
شگفت را به دست خویش به کمال رسانده، انجام داد... او
کمال همه چیز است و همه چیز در او کمال یافته است،
او که به واسطه روح جاودان، خود را بی‌عیب به خداوند
تقدیم کرد و ما را با تقدیم بدن خویش یکباره تقدیس
کرده، با خون صلیب خویش میان چیزهای آسمانی و
زمینی صلح پدید آورد. ما در او که برای گناهان ما تقدیم
شده و برخواسته است، داوری خواهیم شد.

روایت تأسیس راز قربانی مقدس همچنین به زندگی و
استقرار مجدد آن اشاره می‌کند: "بدنی که برای حیات
جهان و برای بخشایش گناهان شکسته شد (یو ۶ : ۵۱)
و خونی که برای بسیاری به جهت بخشش گناهان ریخته
شد." با تأکید بر جنبه‌های نجات مسیحایی، روایت

تأسیس راز قربانی مقدس با اشاره به نجات به پایان می-
رسد: "باشد که ما جشن این راز عظیم و شگفت و مقدس
الاهی را که نجات تمامی نسل بشر در آن بوده است، برپا
داریم."

گهانتای پایانی که شامل یک دعای شفاعتی بلند است،
سرشار از تجربه نجات در مسیح است. در اینجا چند مثال
آورده می‌شود:

ما در شکرگذاری بزرگ برای این نجات عظیم، اعتراف
و نیایش را به تو تقدیم می‌داریم؛ نجاتی که تماماً از طریق
پسر محبوب تو، سرور ما؛ عیسیای مسیح آورده شده است.
و در برابر سه گانه اقدس تو اعتراف می‌کنیم... این قربانی
زنده، مقدس و پذیرفتنی را، راز برّه خدا را که گناهان
جهان را برمی‌گیرد.

مضمون نجات در دعای تن و خون مسیح به شکل متناوب مورد اشاره قرار می گیرد. پس از دعاهاى عمومى با اشاره به یگانه خدای پدر، نجات فراهم آمده توسط مسیح، با بکارگیری واژگان مسیح شناختی سریانی شرق، اعتراف می شود:

... او (یگانه پسر) برای ما آدمیان و برای رستگاری ما، پسر خدا، خدای کلام، خداوند ما عیسای مسیح، انسان کامل را دربر کرده و در قدرت خداوند و روح القدس کامل و عادل گردید. و او میانجی خدا و انسان و "بخشنده حیات" است به تمامی آنان که از طریق او به سوی خدای پدر آورده شده اند، تا ابدالاآباد...

چنین جنبه نجات مسیحایی همچنین در نیایش طلب روح-القدس نیز وارد شده است. پس از طلب نزول روح القدس

برای برکت دادن مردم و هدایا، و تقدیس و مهر کردن ایشان، استدعا به هدف نجات بخش خود می‌رسد:

ای خداوند باشد که هر آنکس که در ایمان راستین از این نان بخورد و از این جام بنوشد، این‌ها برای او، (باعث) بخشش قرضها، آمرزش گناهان، امید بزرگ رستاخیز از مردگان، رستگاری جسم و جان و حیات و جلال گردد، تا ابدالاآباد.

به این ترتیب مضامین حیات و نجات در نیایش تن و خون مسیح (Anaphora) تئودور بسیار آشکارتر است. دعا‌های این نیایش بیان می‌کنند که آیین سپاسگذاری جایی است که نجات در آن اعتراف شده و در کمال خود زیسته می‌شود، تا در این زندگی مورد تبادل قرار گرفته و در جهان آینده به کمال برسد.

۳-۶ حیات و نجات در نیایش تن و خون نستوریوس

نیایش تن و خون مسیح منسوب به مار نستوریوس در جشنهای؛ عید میلاد، یحیای تعمیددهنده، یادبود عالمان یونانی (کلیسا)، چهارشنبه استغاثه نینوایی‌ها، و در pesaha (دوشنبه و چهارشنبه)، اجرا می‌شود. شادی فراگیر نجات‌یافتگی و ابراز شکرگذاری فراوان در این نیایش، چیزی نیستند مگر شاهدان تجربه نجات.

گهانتای نخست نیایش نستوریوس با مضمون نجات آغاز می‌شود؛ با تجلیل مسیح به عنوان "یابنده‌ی گمشدگان" و "گردآورِ پراکندگان". تکرار قربانی کلیسا به عنوان یک قربانی "زنده، مقدس و پذیرفتنی" بندگردان این گهانتا است.

در نیایشی که در ادامه دعای گفتگو مانند می آید، به یک اعتراف تجربی در باب تقدیر نجات-بخش مسیح برمی-خوریم: "درباره تقدیر شگفت منجی ما مسیح به هوش باش، که برای ما کامل شد؛ همانکس که با بدن خویش غمهای ما را شاد کرد و خون زنده خویش را بر قلبهای ما فرو بارید..."

در kusapā که در پی می آید؛ استغاثه‌هایی درباره‌ی دربرگرفتن کیفیت نجات‌بخشی به چشم می‌خورد:

... فیض تو را به التماس می‌طلبم برای آرامش جهان و صلح خلقت، برای وجود کلیسای وفادار تو و برای موفقیت کشیشان تو، برای پروردن ایماندارانت، و برای محافظت پارسایانت، برای تبریئه و پاکی گناهان و برای توبه و تبدیل خطایا، برای نجات و یاری تمامی نژاد آدمی،

و برای پاکی آلائش تقصیرات بندگان و خادمینت که
اینک در برابر تو ایستاده اند...

بعد تثلیثی نجات در گهانتای دوم جایی که نقش مسیح به
عنوان کمال مکاشفه و نجات برجسته شده است، ذکر
شده: "... خداوند نجات دهنده‌ی ما عیسی مسیح؛ امید ما در
او که تمامی گنجهای حکمت و دانش از طریق او ما به
دانش روح القدس رسیده ایم". همین دعا نشان می‌دهد که
چگونه خلقت از طریق تقدیر رایگان الاهی تثلیث به
نجات راه می‌برد:

... چرا که تو ما را از عدم به وجود آورده، برقرار ساختی
و هنگامی که ما لغزیده و سقوط کرده رو به هلاک بودیم،
تو ما را دوباره نو کرده، برخیزانده، از آن خویش کردی
و مراقبت خویش را از ما برنگرفتی، ما را تا بلندای آسمان

بالا برده با شفقت خویش، ملکوتی را که آماده شده به ما
عطا کردی...

گهانتای سوم، مضمونی انجیلی داشته و توصیفی درخشان
از جنبه‌های گوناگون حیات و نجاتی که یگانه پسر برای
بشریت فراهم کرده، ارائه می‌دهد که شامل خط‌سیری
است از پیش‌بینی الاهی برای بخشش گناهان برای منور
شدن و برخورداری از میراث پسرخواندگی الاهی. باید به
غناى تاثیرگذار اصطلاحات ویژه نجات توجه شود:

... برای نجات همگان (اول یو ۲: ۲؛ ۳: ۱۶) و از یک زن
در زیر شریعت زاده شد (غلا ۴: ۴) باشد که آنان که در
زیر شریعت بودند را بازخرید کند (مت ۲۰: ۲۸؛ مر ۱۰
: ۴۵؛ اول تیم ۲: ۶؛ اول پط ۱: ۱۸) و تا آنان را که در آدم
مرده بودند را احیا کند؛ او گناه را با تن خویش کشت و
قانون گناه و مرگ را با احکام خویش باطل کرد و

چشمان فهم ما را گشوده، برای ما "راه نجاتی" فراهم کرده، ما را با دانش الهی منور ساخته و به آنان که او را پذیرفته اند قدرت آن را داد تا (از راه تعمید) فرزندان خدا شوند...

و او آنان که در این دنیا به او تعلق داشتند را حتی تا پایان محبت نمود (یو ۱۳: ۱). او زندگی همگان، فدیۀ گناهان نژاد ما شد و برای همگان خود را تسلیم مرگ نمود، مرگی که بر ما حکمرانی می کرد و ما به قدرتش تسلیم شده بودیم، چرا که از طریق گناهان خویش به مرگ فروخته شده بودیم. و با خون گرانبهایش ما را بازخرید کرده، نجات بخشید و به هاویه نزول کرده بندهای مرگ را گشود... او یعنی "نوبر نجات ما" (اول قر ۱۵: ۲۰) در روز سوم برخاست و نوبر تمامی خفتگان شد تا در میان همگان برترین باشد. او به آسمان صعود کرد و به جانب

راست حضور اعلای تو نشست و یادبود نجات ما را برای
ما باقی نهاد، که این رازی است که به پیشگاه تو تقدیم
می‌داریم، ای خداوند...

هنگامی که زمان رنج و مرگ وی نزدیک شد، در آن
شب که او برای "حیات جهان" تسلیم شد...، پیش از آن
که بمیرد، فصح خویش را بنا نهاد، حتی آنچه اینک به
یادبود او انجام می‌دهیم، چنان که او خود به ما سپرد، تا
آن زمان که او از آسمان پدیدار شود...

روایت تأسیس قربانی مقدس به مسیح به عنوان آنکه
"برای ما کشته شد" و آن "نان که برای بخشایش گناهان
پاره شد" و آن "خون که برای بسیاری به جهت آمرزش
گناهان ریخته شد" اشاره می‌کند. با اشاره به بُعد نجات -
بخش روایت، یک اشاره پیشگویانه به رستاخیز و حیات

نوین به آن افزوده شده است که در نیایش طلب روح-
القدس نیز ظاهر می‌شود.

Kusāpā که در پی این سرود می‌آید، منعکس‌کننده
جنبه‌های فراتر نجات است: مانند "مرا از ورطه گناه
برگیر"، تا با داروی "تمام-شفای خود" زخم اعمال
شیطانی را شفا بخشی؛ و نیز به منظور انجام "عفو گناهان"،
"بخشش قرض‌ها"، پاکی لکه‌های عیوب"، برای
برگزارکننده و همراهان او.

گهانتای بعدی که با طلب شفاعت آغاز می‌شود، مضمون
نجات را در بر دارد: "ای خداوند، ای پدر توانا، همچنین
با یادآوری نجاتی که به ما عطا شده است و تمامی آنچه
پیش از این برای ما به انجام رسیده، ما به تو ایمان داشته
و (این ایمان به) تو را اعتراف می‌کنیم... و تا "تقدیر
شگفت" مسیح ادامه پیدا می‌کند. همانطور که قربانی

مسیح برای نجات بسیاری بود، استغاثه‌ی نیایش نیز خاصیتی فراگیر دارد تا بتواند تمامی "دشمنان و نفرت‌کنندگان ما و تمامی آنانکه نسبت به ما بدی روا داشته‌اند، نه برای انتقام و داوری بلکه برای رحمت و نجات و بخشش گناهان" در برگیرد.

Kusāpā بعدی که یک‌درمیان با دعا همراه می‌شود فواید مادی و معنوی که به حیات و نجات منتهی می‌شود را می‌طلبد. "... و برای مردمانت که در نام تو گردآمده و در این ساعت در برابر تو حاضر شده‌اند؛ قرض‌های ایشان را ببخش، و اعمال بد ایشان را محو نما، لکه‌های عیب ایشان را شسته، گناهانشان را عفو نما، دردهای ایشان را شفا بخش، ایشان را از بیماری‌هایشان رهایی ده، دشمنانشان را سرنگون فرما، ای تقصیرات ایشان بگذر، و لکه‌های عیب ایشان را پاک گردان، زخم‌های ایشان را شستشو

ده... انحرافات ایشان را (به راه راست) بازگردان؛ میرایی
ایشان را به حیات تبدیل نما...، مشکلاتشان را آسانی بخش
و تاریکی‌هایشان را روشن فرما، پستی ایشان را برافراز...
گهانتای پنجم که به نیایش طلب روح القدس می‌انجامد،
تمامی استغاثه‌ها را با لحنی آخرت‌شناسانه گردهم می-
آورد:

ای خداوند، عطا فرما تا در این اقامتگاه موقت، در
اطمینان و محبت و خلوص اندیشه، در پیشگاه تو زندگی
کنیم، با دانشی استوار از ایمان راستین در تو، و مشارکت
در رازهای شگفت و مقدس و الهی‌ات، باشد که آن
هنگام که در برابر تخت داوری مهیب تو می‌ایستیم،
شرمسار و گناهکار یافت نشویم. پس همچنان که در این
جهان ما را شایسته این رازهای مهیب و مقدس و الهی
گردانیدی، ما را شایسته گردان تا در جهان آینده نیز با

روی گشوده در تمامی آن برکاتی که نه (بدون دریافت
کردنشان) از ما رد شده و نه بیهوده هدر می‌روند،
مشارکت کنیم.

۳-۶-۱ نیایش طلب روح القدس (epiclesis) و تجربه
نجات

نیایش طلب روح القدس که در آن ساکن شدن روح القدس
برای «تغییر و تقدیس» هدایا انجام می‌پذیرد، استدعای
نهایی نیایش تن و خون مسیح (Anaphora) را برای
مشارکت در حیات و نجات ابدی به انجام می‌رساند:

... و با عمل روح القدس این هدایا را حکیمانه تغییر ده و
تقدیس نما که دریافت این رازهای مقدس و پر جلال برای
دریافت کنندگان، زندگی جاوید و برخاستن از مردگان و
آمرزش جسم و جان، دربرداشته باشد و در نور معرفت و

گشودگی روی در برابر تو و در نجات جاودان که تو در خداوند ما عیسیای مسیح وعده فرمودی، باشد که همه ما یکدل به هم پیوندیم، در یک رشته‌ی محبت و صلح، تا در یک پیوند و یک روح باشیم، چنان که به یک امید فراخوانده شده ایم.

نیایش تن و خون نستوریس با بازه‌ی وسیعی از اصطلاحات در اشاره به ابعاد نجات بخش آیین سپاسگذاری، بسیار گویا است؛ این نیایش به تجربه غنی نجات در زمان حال و امید به وحدت در پادشاهی جاودانی در آینده یعنی آنجا که نجات، کمال خود را می‌یابد، اشاره می‌کند.

۷-۳ توزیع نان مقدس

با رسیدن به بخشش متعارف مراسم، نیایش وسیع بخورسوز، که پیش از توزیع نان مقدس می‌آید، ارائه

دهنده‌ی معنایی از آشتی، تبدل، بخشش و زندگی نوین
است:

ای خداوند و ای خدای ما باشد که دعا و نیاز ما به حضور
تو نیکو باشد و باشد که رایحه بخور ما همچون بوی بخور
هارون کاهن در آن خیمه، سبب آرامش تو گردد، روح
ما را به همراه تن‌هامان نو کن و به خاطر رحمت‌های
بی‌شمارت با خلقت خود آشتی نما...

دعایی که در پی می‌آید، همچنین مضمون بخشش و توان
را به همراه دارد. اشاره به شبان نیکو که ما را یافته و به
گله باز می‌گرداند و طلب ملایمت، شستشو و بخشش همه
به تازگی حیات و نجات اشاره دارند:

ای خداوند و ای خدای ما، بوی ناپاکی و فساد ما را با
رایحه خوشبوی شیرینی محبت خویش ملایم و شیرین

گردان، ای شبان نیکو که به جستجوی ما برآمدی و ما را
در گمگشتگی مان بازیافتی و به بازگشت ما اراده
فرمودی، ما را از لکه‌های گناه شستشو ده. قرضها و
گناهان مرا چه آنها را که می‌دانم و چه آنها را که نمی-
دانم، در فیض و رحمت خویش ببخش و بیامرز.

دعای نگاه داشتن نان پیش از شکستن و توزیع آن تنها
بر نقطه نجات تمرکز می‌کند.

چرا که تو نان زنده و حیات‌بخش هستی، که از آسمان
فرود آمده، به تمام جهان حیات می‌بخشد، که آنان که از
آن بخورند، نخواهند مرد و آنان که آن را دریافت می-
کنند، توسط آن بخشیده شده، نجات یافته و تا ابد زیست
خواهند کرد.

دعاهای سرود نان و شراب با نامیدن آنها با عناوین «بدن حیات بخش» و «خون آمرزنده» به وضوح بیانگر ابعاد نجاتی بخش آیین سپاسگذاری هستند.

دستورالعمل دعا هنگام روی هم قراردادن نیمه‌های نان مقدس نیز بیانگر جنبه نجات بخش آیین سپاسگذاری است: " این رازهای مقدس، حیات بخش و الاهی، برگزار شده، تقدیس و برآورده شده، متحد گردیده و یادآوری شده... تا برای ما ای خداوند باعث بخشش قرضها و آمرزش گناهان و امید بزرگ رستاخیز باشد..." در پایان توزیع نان هنگام تر کردن آن نیز همچنین به خدمتی " شایسته بخشایش گناهان و آمرزش قرضها" اشاره می شود.

در بخش آشتی، حین آماده سازی روحانی مردم برای مشارکت، نیایش (karo zuta) شماس به دانش حیات که مسیح "از طریق قوانین حیات بخش خود" برای ما

کسب کرد و همچنین احکام مقدس اشاره کرده، آیین-
سپاسگذاری را با بیان جنبه نجات بخش آن به عنوان "هدیه
زندگانی جاودان" توصیف می کند.

جوابهای این دعا پنج بار تکرار می شوند که با جنبه منفی
آشتی آغاز شده ("گناهان و توهین های خادمین خود را
بیخش") و با ابعاد مثبت و نجات بخش آن خاتمه پیدا
می کنند: ("ای پروردگار، باشد که آنها برای ما باعث
رستاخیز تن ها و آمرزش روح هایمان گردند.")

دعای (kusapa) همزمان کشیش با این نیایش
(karoza) تصویری کامل از نجات فراهم شده توسط
عیسای مسیح در ایماندار است، که کمال خود را در
زندگی درخشان در آسمان می جوید.

تو ما را از (سیطره) قدرت تاریکی بیرون برده، به پادشاهی پسر محبوب خویش، سرور ما عیسای مسیح، درآوردی. همان که تو به وسیله او قدرت مرگ را نابود ساختی و به ما حیات جاودان دادی. حیاتی که از میان نخواهد رفت و اینک تو ما را شایسته کرده ای تا در برابر قربانگاه پاک و مقدس تو بایستیم و این "قربانی حیات- بخش مقدس و بی خونریزی" را به تو تقدیم نماییم... مگذار که این برای داوری و محکومیت ما باشد بلکه چنان کن که این برای رحمت تو و بخشش گناهان ما و رستاخیز ما از مردگان و "حیات جاویدان" باشد. باشد که ما همه از آنان باشیم که ستایش تو را برمی آورند و باشد که ما خیمه ای مقدس و مسکنی خالص برای سکونت تو باشیم و باشد که چون در تن و خون مسیح شریک شدیم،

به همراه تمامی قدیسان تو در رستاخیز عظیم و پر جلال
بدرخشیم.

۳-۸ سنت مشارکت

دستور برگزاری آیین سپاسگذاری نیز اشاراتی نجات-
شناختی در بر دارد که به تجربه نهایی آن در آسمان می-
انجامد. کشیش هنگام دادن جام به شماس می گوید: "
فیض روح القدس تا ابد با شما و ما و شرکت کنندگان
(حاضر در) اینجای ملکوت باد." تقریباً تمامی نیایش های
آیین سپاسگذاری به مشارکت در حیات (مانند "زندگی
جاودان" در آسمان) اشاره می کنند. شماس بعد از دعای
قدوس (sanctum sanctis) چنین اعلام می کند:
"ستایش باد تو را ای خدای زنده."

آیین سپاسگذاری کشیشان در آیین شرق سریانی قابل-
توجه است، چرا که هرگز به کشیش اجازه نمی‌دهد که
میزبانی را به تنهایی به عهد بگیرد، بلکه دریافت جام از
دست کشیشی دیگر نشان‌دهنده جنبه "دریافت شدنی"
آیین سپاسگذاری است. یادداشتهای عبادی اصطلاحاً
می‌گویند که نجات همواره با واسطه انجام می‌شود. دعای
کشیش هنگام برگزاری مراسم نشان می‌دهد که دریافت
این مشارکت برابر با دریافت نجات است: "ای مسیح،
امید ذات ما، خدای همه، (ای) پدر و پسر و روح القدس؛
بدن‌های ما را با بدن خویش تقدیس کن، قرضهای ما را
با خون گرانبهای خویش ببخش، وجدان ما را با شاخه
زوفای شفقت خویش مُصفا ساز.

دعای هنگام دریافت جام به شرکت در جشن داماد
آسمانی اشاره دارد: "ای داماد آسمانی، برای میهمانان

حاضر در ضیافت خویش، جامی از خون گرانبهای خویش
مهیا کرده ای."

دعوت کشیش به مشارکت هم‌آوا با این نوا به گوش
می‌رسد: "هدیه فیض خداوند حیات‌بخش ما، عیسیای
مسیح، در رحمت‌های او بر همه ما برآورده شود." مضمون
"بخشش گناه" و "حیات" در دستور مشارکت تکرار
می‌شود:

بدن خداوند ما برای کشیش وقف شده/ برای شماس خدا/
برای ایماندار پرهیزگار به جهت "بخشش قرضها" ...
خون گرانبها برای "بخشش قرضها" یک "جشن روحانی
برای زندگی جاوید" برای کشیش/شماس وقف شده
خداوند، و به هر کس بر طبق جایگاه او.

۳-۹ سنتهای شکرگزاری

دعاهای بخش شکرگذاری بیانگر سپاسگذاری برای حیات و نجات از پیش به دست آمده در مشارکت مقدس و همچنین ابراز امیدواری برای تجربه کمال آن در آسمان اند. سرود ستایش منسوب به اپرم قدیس به وعده "زندگی نوین در پادشاهی اعلی" اشاره کرده و بیانگر آرزوی آمدن پر جلال آن است: "... باشد که در روز درخشش تو ما در برابر تو زیست کنیم؛ و باشد که طبق اراده تو به دیدار تو بشتاییم..."

ابعاد نجات بخش و آخرت شناختی آیین سپاسگذاری به همراه تأثیر شهادت بر مسیح در زندگی های روزمره به بهترین شکل ممکن در نیایشی برای جشن های خداوند که به Yezdhin تقدیم شده می-توان دید:

- خداوندا دستانی را که (به سوی تو) دراز شده اند
و آیین سپاسگذاری مقدس را برای بخشش قرضها
دریافت کرده اند را نیرو بخش - آنها را شایسته
ثمر آوردن در الوهیت
خویش گردان
- دهانهایی را که همللویا را در جایگاه مقدس سروده
اند - تو شایسته آن گردان که جلال تو را
بسرایند.
- گوشهایی را که صدای نیایش های تو را شنیده اند
- مگذار تا آواز خطر را بشنوند.
- چشمانی را که شفقت تو را باز دیده اند ای خداوند
- بگذار تا امید پرکت تو را باز بینند.
- زبانهایی را که قدوسیت تو را بر زبان رانده اند -
چنان کن که گویای راستی باشند.

- پایهایی که در درون کلیساها گام برداشته اند -
چنان که که در سرزمین نور گام بردارند.
- تنهایی که بدن زنده تو را خورده اند - ایشان را
با زندگی نوین تازه گردان...

کفاره و امید آینده کسب شده از طریق دریافت آیین -
سپاسگذاری در روزهای عادی نیز در شکرگذاری تکرار
می شود: "...با تن و خون خویش زخم ها و قرضهای تمامی
آنان را که به تو ایمان دارند را شفا داده، ببخش. و ما را
در رستاخیز خود شایسته ساز تا با یقین به دیدار تو بشتاییم
و باشد که در مرتبه موجودات آسمانی قرار گرفته در
جلال بالا برده شویم، آمین.

به طریقی مشابه دعوت شماس برای شکرگذاری نیز
آیین سپاسگذاری را به شکل رازهایی "پر جلال، حیات-
بخش و الاهی" توصیف می کند. با یادآوری استغاثه های
نیایش طلب روح القدس، می بینیم که دومین دعای
کشیشی مجدداً بر نجات، زندگی نوین و امید به آینده که
از راه آیین سپاسگذاری حاصل می شود، تأکید می کند:

باشد که مسیح، خداوند ما و خدای ما و پادشاه و "نجات-
دهنده و حیات بخش ما" و بخشاینده گناهان ما که در
فیض و رحمت های خویش ما را شایسته دریافت تن و خون
پربها و تقدیس گر خویش سازد... و ای خداوند باشد که
این بیعانه که دریافت کرده ایم در ملکوت آسمان با
تمامی آنانکه سبب خوشنودی تو گشته اند، برای ما
(سبب) آمرزش گناهان و بخشایش قرضها و امید بزرگ
رستخیز از مردگان و "حیات تازه" باشد...

دعاهای کشیشی برای روزهای عادی نیز همین مضمون
بخشایش قرضها، آمرزش گناهان را ارائه کرده و به مؤثر
بودن آیین سپاسگذاری به عنوان رازهای " پر جلال،
حیات بخش و الاهی " اشاره می کند.

۳-۱۰ تبرک پایانی

دستور انجام برکت دادن پایانی به شکلی ماهرانه ابعاد
نجات بخش جشن آیین سپاسگذاری را خلاصه می کند. در
یکشنبه ها، روزهای جشن و یادبود، دعای تبرک جنبه های
نجات بخش آیین سپاسگذاری را که از انجیل یوحنا (۵ :
۲۴؛ ۶ : ۵۰-۵۹) گرفته شده را بیان می کنند. " آمین آمین
به شما می گویم آنکس که بدن مرا بخورد در من می ماند
و من در او و او در روز او را برخوهم خیزانید و او به
داوری در نمی آید بلکه از داوری به حیات منتقل شده
است. " با ارجاع به عبارات قراردادی که به نجات اشاره

دارند، نیایش با طلب برکت برای جماعتی که "در قدرت رازهای پر جلال، مقدس و الهی شادی کرده است"، به پایان می‌رسد.

همچنین دو هوتامای (Huthamas) روزهای عادی نیز جنبه‌های نجات‌بخش آیین سپاسگذاری را مورد تأکید قرار می‌دهند؛ هر دوی آنها به گونه‌ای مسیح‌شناختی، تصویرگر بخشش، نجات و حیات جاوید در پادشاهی آسمان هستند. نخستین دعا در جلال آسمانی دریافت شده در آیین سپاسگذاری بیان می‌کند که: "با رازهای الهی، حیات‌بخش و پر جلال خود، ما را شایسته جلالی درخور پادشاهی او و شادی بودن با فرشتگان مقدس او گردان و همچنین شایستگی گشودگی چهره در حضور او و ایستادن در سمت راست او در اورشلمی که در رحمت‌ها و فیض‌های او بالاست، را نصیب ما گردان."

هو تامای جایگزین که درباره آمرزش گناهان و رهایی و حفظ حمایت خداوند در زندگی‌های عادی خاص‌تر است: "به او که ما را با تن خویش از قرضهایمان بری ساخت و گناهانمان را با خون خویش محو ساخت، باشد که جلال در کلیسای او ساکن باشد... باشد که خداوند و خدای ما شما را از شریر و گروه او رهایی دهد... باشد که شما در برابر همه دشمنان چه آشکار و چه پنهان پوشیده و محافظت شده باشید، اینک و تا همیشه."

۴. نتیجه گیری

یکم. مطالعه پیشین نشان می‌دهد که حیات یا نجات چنان که دعاها نشان می‌دهند، مضمون نخستین آیین سپاسگذاری است. با این چهارچوب گسترده، نیایش‌های شرق سریانی شاهی گویا هستند بر جنبه حیات و نجات آیین سپاسگذاری. همچنان که نیایش تن و خون ادای و ماری رسول بعد نجات‌بخش را به عنوان اثر نقشه نجات مسیح نشان می‌دهند، نیایش‌های تن و خون تئودور و نستوریوس به شکل پهنه وسیعی از اصطلاحات مربوط به شواهد حیات و نجات، درباره جنبه‌های نجات‌بخش آیین سپاسگذاری، بسیار واضح ترند.

دوم. مضمون نجات یک ایده شاعرانه نیست که از بیرون به آیین سپاسگذاری وارد شده باشد؛ بلکه، چنان که خود متن عبادی که ما مطالعه خود را به شکلی برجسته بر آن بنا کردیم، نشان می‌دهد، احیاشده، بیان شده و مشهور است. چرا نجات نقطه اتکای آیین سپاسگذاری است؟ گسترش آیین سپاسگذاری نشان‌دهنده آن است که این امر تصویب دوباره همان اعمال نجات بخش مسیح است. جشن سپاسگذاری از همان آغاز، اعمال مسیح است و بنابراین ما ارجاع به حیات و نجات را نه تنها در به نیایش تن و خون مسیح بلکه در تمام آیین سپاسگذاری از همان آغاز تا برکت دادن نهایی مشاهده می‌کنیم. چه در آیین سرآغاز چه در آیین کلام خدا یا در سنت مشارکت، عمل نجات بخش مسیح از خلال گستره وسیعی از اصطلاحات مربوط به نجات بیان شده است. به هر ترتیب می‌توان

حرکت پیشرونده‌ای را که به وضوح بیشتر در سنت‌های مشارکتی آمده و کل رسوم عبادی به سوی آن جهت‌گیری یافته اند را تشخیص داد.

سوم. گستره وسیع عبارات و واژگان در ارتباط با حیات و نجات مسئله‌ای است که توجه بیشتر طلب می‌کند. کلمه hayā به معنی نجات و حیات به عنوان بنیانی الهی از سوی سه گانه اقدس، ارائه شده است. که پاسخ انسان را طلب می‌کند. حیات و نجات در دعا‌هایی که به کشیشان، شماسان و ایمانداران اختصاص یافته، مورد اشاره قرار گرفته و با امید طلبیده شده اند. این دعا‌های آیین سپاس‌گذاری نشان‌دهنده آنند که نجات یک ابداع الهی است که از خلال فرآیند تبدیل، پاکسازی، به حیات در مسیح و زندگی جاوید در آسمان می‌انجامد، که جنبه‌های آخرت‌شناختی خود را به خوبی به نمایش می‌گذارد. از

یک سو عباراتی نظیر آمرزش گناهان، بخشش قرضها، محو کردن لکه‌ها، رهایی، بازخرید شدن با قربانی و آزادی، بیانگر فرآیند تزکیه و بازیابی است که در عمل نجات انجام می‌گیرد. به گونه‌ای مثبت در سوی دیگر، این عمل امید رستاخیز، شادی و لذت را در حیات حاضر و برکت ابدی در ملکوت آسمان را به همراه می‌آورد؛ همانجا که فرد خداوند را به همراه قدیسین با چهره‌گشوده می‌بیند. این دو جنبه نجات در دعا‌های آیین سپاسگذاری تکرار شده‌اند.

چهارم. اهمیت بخشیده شده به دو مضمون حیات و نجات در آیین سپاسگذاری پاسخگوی پرسش همیشگی نژاد بشر است که این آیین را چنین مربوط و بجا می‌سازد. انسانی که زیر بار گناهان و انواع نواقص و مصیبت‌ها است، همواره به اندازه نیاز معنوی، جسماً نیازمند بازیابی

و حیات تازه است. مسیح، نجات دهنده نژاد انسانی، از طریق قربانی خویش دری به سوی نجات و حیات گشوده است و آیین سپاسگذاری همان عمل نجات بخش مسیح را که به شرکت کننده ای تقدیم شده است را پی می گیرد. در جهان جدید که توسط مشکلات و اضطراب های بسیار احاطه شده است، آدمی بی خبر از گنجینه معنوی که در اختیار دارد هر زمان به دنبال نمونه های نوینی از پرستش و حتی اعتراف است که رهایی و برکت را وعده می دهند. آیین سپاسگذاری سریانی شرق، هر فرد مسیحی بخصوص اعضای سنت خود را فرا می خواند تا گنجینه عظیم حیات و نجات را که در آیین سپاسگذاری خودش برشمرده و ستوده و زیسته شده را کشف کند.

فصل دوم

زندگی در رازهای اولیه

مقدمه

برای درک غنای سنت عبادی شرق سریانی باید به دنیای عظیم و وسیع هودرای (Hudra) کلیسای شرق سفر کرد. هودرا کتاب اصول عبادی است که اصولاً شامل وظیفه‌الاهی و دعا‌های گوناگون قربانا برای دوره کامل سال عبادی است. از آنجا که هودرا شامل تعداد بسیاری سرود نیایشی با گرایش‌ات الاهیاتی است، که منابع مهمی در شناخت ما از کلیسای شرق هستند، در حال حاضر بسیاری از محققین امور عبادی (*Liturgical Scholars*) مشخصاً به آن علاقه نشان می‌دهند. به این ترتیب برای رسیدن به درک جامعی از دیدگاه آخرت‌شناختی قربانای شرق سریانی، روی آوردن به نیایش‌های *Propria* که بخش مهمی از قربانا را تشکیل می‌دهد، ضروری است.

فصل حاضر با بررسی سبک آخرت‌شناختی هودرای شرق سریانی آغاز شده، تا مطالعه مضامین مهم آخرت‌شناختی که در نیایش‌های گوناگون قربانا یافت می‌شود ادامه می‌یابد.

۱ - خاستگاه *propria* (نیایش) سریانی شرق

گرچه تاریخچه اولیه هودرای سریانی شرق چندان شناخته شده نیست، قدمت، غنای الاهیاتی و شکوه آن از دلیل و برهان بی‌نیاز است. هودرای اولیه عموماً شامل مزامیر و بخشهایی از عهدقدیم و جدید، برای قرائت در ایام کلیسایی و جشنهای مختلف بود. در طول زمان آوازه‌ها و نیایش‌هایی که اغلب از نوشته‌های کلیسایی پدران معروف سریانی نظیر اپرم (۳۷۳م)، یعقوب نصیبی (۳۵۰م)، شمعون برسبا (۳۴۱ م) ، ماروتای

میفرقات (*Marutha MaiPharkat*) (۴۲۰ م)،
 نارسای (*Narsai*) (۵۰۲ م) و بابای کبیر (*Babai the Great*) (۶۰۸/۶۰۹ م) گرفته شده اند. تألیف هودرا برای
 تمامی سال عبادی به شکل سنتی، در صومعه برینِ
 (*Upper Monastery*) مار گابریل و مار آبراهام در
 موصل، به کاتولیکوس ایشویاب سوم (۶۵۰-۶۵۸) و
 همکار او راهبِ انانیسو (*Enaniso*) تقدیم شده است.
 یک نسخه نهایی و تعیین کننده از این سرودها و دعاها
 مجدداً در حدود ۱۲۵۰ م، در صومعه برین فراهم آمد. پل
 بجان (*Paul Bedjan*)؛ لازاریست کلدانی، پس از مقابله
 نسخه‌های مختلف در ۸۷-۱۸۸۶، نسخه کنونی گزیده سه
 جلدی نیایش‌های کلدانی را بیرون داد. در ۱۹۳۸ نسخه
 مجددی از این گزیده، تحت نظارت کنگره کلیساهای
 شرق در رم، برای استفاده کلدانیان کاتولیک و سیو-

مالاباریایی ها به چاپ رسید. این مجلدات دربردارندهٔ سرودهای گوناگون از هودرا، قزا (Gazza)، کاسکول (Kaskul) هستند. در سال ۲۰۰۲ کنگرهٔ کلیساهای شرق نسخهٔ جدیدی از گزیده نیایش‌های کلدانی را در جلد بیرون داد. کلیسای آشوری شرق از نسخهٔ ویرایش دارمو (Darmo) (۱۹۶۹)؛ (پایتخت کلیسای شرق در تریکور هند) استفاده می‌کند. هر دو گزیدهٔ کلیسای کلدانی و آشوری شامل وظیفهٔ الهی و دعا‌های گوناگون قربانا هستند. هر یک از کلیساهای شرق نسخهٔ مخصوص خود از نیایش‌های قربانا را در زبانهای مختلف فراهم کرده اند که مهمترین نسخه‌های آن پیشتر ذکر شد.

۱-۱ اجزای اصلی تشکیل دهنده *Propers* (نیایش‌های مناسبتی)

بخش‌های گوناگون قربانا عموماً به سه دسته تقسیم می‌شوند: آنافورا (Anaphoras) (نیایش تن و خون مسیح)، قرائت و دعا‌های مناسبتی (Propers). هر سه نوع آنافورای سریانی شرق برای سبک آخرت‌شناختی خود مشهور اند. قرائت‌های این کلیسا ترکیبی از استفاده‌های رهبانی و کلیسایی است که در آن موعظه‌های کتاب-مقدسی بر اساس روح فصول عبادی و اهمیت نیایشی روزهای خاص ارائه می‌شوند. مطالعه حاضر به بستر وسیع مواعظ روزانه بر اساس کتاب مقدس وارد نمی‌شود، بلکه خود را به نیایش‌های مشترک میان متون عبادی سه کلیسای سنت سریانی شرق محدود می‌کند. بخش‌های مختلف قربانا عبارتند از:

Onita D- Aqqapta Marmita d-Raze
Qanke، قرائت بخشی از عهد قدیم، *Surraya* قرائت

از رسولان، *Zummara* سرود انجیل، قرائت بخشی از
انجیل، *Quaddasa .Onita d-Raze .Karo-zutha*،
Bathe d'Unaya .Unaya d'Bem .D'hilat
.Huttama .Theshbotha d'yauma

۱-۲ رویکرد آخرت‌شناختی سال عبادی

تقدس زمان از خلال جشن گرفتنِ رازهای مسیح و کلیسا
در طول سال، یکی از مضامین اصلی نامه‌های پدران است.
سنت سریانی شرق، با دیدگاه کاملش به زندگی مسیحی،
ترکیب برجسته‌ای از سال عبادی مرکب از ۹ فصل دارد.
سال عبادی یک چرخه تجدید حیات پویا از نجات است
که با رسیدن مژده میلاد از آسمان آغاز شده و با فصل
تقدیم کلیسا در آسمان به پایان می‌رسد. هفت فصل دیگر
سال عبادی - اپیفانی، روزه بزرگ، رستاخیز، رسولان،

تابستان، صلیب ایلیا (*Elia-Cross*) و موسی - به شکلی
ترتیب یافته اند که نظامی را به ایمانداران عرضه می کنند
که آنان را یاری می کند تا با جشن و شرکت در رازهای
مسیح و کلیسا به اهداف آسمانی خود دست یابند. شورای
دوم واتیکان رویکرد آخرت شناختی سال عبادی را با
چنین عباراتی مورد اشاره قرار می دهد: "در طول سال،
کلیسا هرچه بیشتر راز مسیح را می گشاید، از تنیافت و
میلاد و صعود، تا پنطیکاست و انتظار در امید مقدس آمدن
خداوند."

سال عبادی سریانی شرق، نه فصل کنونی خود را
براساس اصلاحات عبادی کاتولیکوس ایشویاب سوم پیدا
کرد. پیش از این اصلاحات، سال عبادی با فصل موسی
در ماه اکتبر آغاز شده و تمام نوامبر به طول می انجامید و
این فصل گنج موسی (*Economy of Muses*) نامیده

می‌شد. راز اصلی مربوط به نجات که در فصل موسی جشن گرفته می‌شود، راز بازگشت خداوند است. این نظام براساس سنت یهودی آغاز سال نو در ماه اکتبر بود. اهمیتی که یهودیان به ترتیب (فصول عبادی) سال بخشیدند جشن گرفتن رازهای نجات بود. بر اساس یک گفته یهودی: "ایشان (قوم) در ماه نisan (Nisan) نجات یافتند و در آینده در ماه تشری (Teshri) است که باز نجات داده خواهند شد". در پایان سال ایشان نجات مسیحایی را جشن می‌گیرند، درحالی‌که در آغاز سالی دیگر، به شکل راز، آغاز نجات را نشان می‌دهند.

بعدها عید میلاد در ۲۵ نوامبر و اپیفانی در ۶ ژانویه تثبیت شدند. به تدریج، با اصلاحات ایشویاب سوم، زمان بشارت میلاد، به عنوان زمان آمادگی برای تولد مسیح، به آغاز سال عبادی جدید تبدیل شد. این دوره با دوره

Denha یعنی فصل گرامیداشتِ تعمید و زندگی عمومی مسیح و پس از آن مرگ و رستاخیز وی گرامی، ادامه می‌یابد. در اینجا دوباره شاهد تمایل به تاریخی کردن سال عبادی هستیم که در آن گنجینه (روز شمار) نجات گرامی داشته می‌شود. محققین جدید کاستی‌های این نظام نو آگاهند. آ. آدام (*A.Adam*) اشاره می‌کند که این فرضی نادرست دربارهٔ سال عبادی است که گرامیداشت سالانهٔ رازهای مسیح، سراسر زندگی او از تولد تا بازگشت دوباره اش را دربرابر ایمانداران قرار می‌دهد. آر. برگر (*R.Berger*) همچنین دربارهٔ خطر این شیوهٔ توضیح، صحبت می‌کند: "حین تعلیم افراد تمایل گسترده‌ای وجود دارد که سال عبادی به عنوان معرف زندگی مسیح درک شود: از انتظار میلاد، تا تنیافت، مأموریت عام، رنج و رستاخیز و تا فرستادن روح القدس و

بازگشت او. می‌توان به سرعت دریافت که این رویکرد، شرح‌دهندهٔ جزئیات سال عبادی نیست. کافی است نگاهی به خطوط اصلی امسال نگاه کنیم تا ببینیم که این امر قابل تأیید نیست.

در تحلیل نهایی هر فصل عبادی مواجهه‌ای است با خداوند بلندمرتبه، که در آن ما با تجدید خاطره‌ای پرشکوه، انجام تاریخیِ نجات را می‌نگریم. در حالیکه با امید برآورده شدن همان نجات، در آخرت به آینده می‌نگریم. گرچه ترتیب فصول عبادی سال سنت سریانی شرق در گرامیداشت گنجینه نجات به نظر "تاریخی" می‌رسد، دعاها و سرودهای هودرا برای تمامی نه فصل سال، شاهی بر سبک آخرت‌شناسانهٔ سال عبادی این سنت به عنوان یک کُلّیت است.

در چرخه سنت سریانی شرق (هودرا) آخرین زمانها؛
Elia-Cross، موسی و تقدیم کلیسا که مملو از مضامین
آخرت‌شناسانه هستند به نخستین فصول سال بعد می-
پیوندند. یعنی؛ بشارت میلاد و Denha که همچنین به
اندیشه *Parousia* (بازگشت مسیح) بسیار نزدیک
اند (دوم تسا ۲: ۸).

۲- مضامین آخرت‌شناختی در نیایش‌ها

نیایش‌های گوناگون قربانای شرق سریانی دیدگاهی
کامل از برآورده شدن مسیحیت ارائه می‌دهند. درحالی‌که
برخی فصول در سال عبادی بیشتر بر مضامین آخرت-
شناختی تمرکز می‌کنند، می‌توان اشتغال آخرت‌گرایانه
افراد و کلیسا را در تمام دوره‌های چرخه عبادی دید. در
اینجا ما به منظور رسیدن به درکی عمیق‌تر از دیدگاه

آخرت‌شناختی آئین سپاسگذاری به بررسی نیایش‌های
قربانای شرق سریانی می‌پردازیم.

۱-۲ شرکت آئینی در مرگ و رستاخیز

پیشتر نیایش‌ها و مراسم گوناگون بخش‌های مشترک
قربانا، که ایمانداران را به شرکت آئینی در تجارب
آخرت‌شناسانه مرگ و رستاخیز هدایت می‌کنند، دیده
شد. دعا‌های گوناگون قربانا جزئیات بیشتری در ارتباط با
این واقعیات آخرت‌شناختی در اختیار ما می‌گذارند.

۱-۲-۲ تعمید: شرکت در مرگ و رستاخیز

مسیح

پولس قدیس تعمید مسیحی را، شرکت در مرگ و
رستاخیز مسیح معرفی کرده است. (روم ۶: ۳-۶) سنت

سریانی شرق همان مسیر را پی گرفته و تعمید را سنت مرگ و رستاخیز بر می‌شمارد. همین شرکت در رازهای فصحیِ مسیح است که مسیحیان را قادر می‌سازد تا پادشاهی خدا را به میراث برند. پس آئین سپاسگذاری به ایمانداران توصیه می‌کند: "ای برادران که به وسیلهٔ تعمید در مسیح بوده و در رازهای مرگ و درگور شدن او شریکید، از بی‌ایمانان و غیرمسیحیان به دور باشید، تا در پادشاهی (او) شریک و وارث باشید". تعمید مسیحی، شرکت در تعمید مسیح در رود اُردن است که همچنین سمبل رازهای مرگ و رستاخیز است: "تعمید شما در آب ، روح ما را تقدیس کرده، رستاخیز ما را اعلان می‌نماید." پس زندگی مسیحی، اینجا و بر زمین، پیشگوییِ زندگی اُخروی است.

۲-۱-۲ تعمید: تولد تازه به عنوان شهروندان

ملکوت خدا

عیسی در گفتگوی خود با نیکودیموس فرمود: "به راستی، به تو می‌گویم، هیچ کس نمی‌تواند به ملکوت خدا درآید، بی‌آنکه از آب و روح زاده شود" (یو ۳: ۵). تعمید مسیحی، تولدی تازه در آب و روح است. تعمید یافتگان، به فرزندان حضرت اعلی و شهروندان ملکوت تبدیل می‌شوند. اپیفانی و تعمید مسیح، انسانیت را به ارتفاع تازه‌ای از جلال رساند: "ای خداوند تو با اپیفانی (تجلی در تولد) خود، ما را از بند گناه رهانیدی... مسیح مبارک است، همو که با تعمید خویش نژاد ما را از لعنت رهانید." مسیح با مرگ و رستاخیز خود "زمین را به آسمان بدل کرد... که ابر دین‌ها نمی‌تواند آنان را که با تعمید صعود می‌کنند

را بپوشاند!" مسیحیان به عنوان شهروندان آسمان ، اینجا بر روی زمین زندگی می کنند. مسیح ایشان را از تمامی قرضها و بندها رها نموده، به آنها زندگی فرزندان خدا را بخشیده است.

۲-۱-۳ قربانی مقدس: ودیعه زندگی جاوید

قربانی مقدس غذای آنان است که در تعمید از نو زاده شده اند و در روی حیات آنانی است که به زهر گناه و مرگ آلوده شده اند. نیایش های *Propria* قربانی مقدس را همچون ودیعه زندگی جاوید که موجب آمرزش گناهان فرد شده و او را وارث پادشاهی اُخروی می کند، معرفی می کنند. " باشد که ما از این قربانگاه بخشاینده، بیعانه حیات را که موجودات روحانی واسطه آن بوده اند، دریافت داریم." قربانی مقدس، داروی حیات نوین است

که به اعضای کلیسا عطا داده شده است. همانکه سبب مرگ یعنی گناه را می‌کشد. به جماعت کلیسا توصیه شده که پیش آمده و رازهای حیات بخش که شیطان با آنها محکوم شده است را دریافت کنند. آئین سپاسگذاری، وضعیت گناه‌آلود (بشر) را همچون شرایط مرگ می‌نگرد و حیات راستین را آن می‌داند که به وسیله آئین‌ها به خصوص قربانی مقدس عطا می‌شود.

۲-۲ برکت جاودانه آدمی

برکت آسمانی فراتر از شرح و گمان آدمی است. هودرا استعارات متفاوتی را برای صحبت درباره تکامل اخروی انسان به کار می‌گیرد.

۲-۲-۱ منزلگاه آسمانی برکات عظیم

زندگی مسیحی سفری است به سوی منزلگاه آسمانی که مسیح برای برگزیدگان خود آماده کرده است (یو ۱۴: ۲). میوه درخت ممنوعه راهی عظیم به مرگ و نابودی گشود؛ اما مسیح برای ما راهی به بهشت گشوده است. قربانی مقدس بهشت را به عنوان "سرزمین نور" که "خواستنی"، "پرشکوه" و نورانی است و هیچ مانندی در خلقت ندارد معرفی کرده است. این پاداشی است که مسیح برای دوستان خود که مصائب و رنج‌ها را در راه او تحمل کرده اند، آماده کرده است. پس نیایش‌ها به ایمانداران هشدار می‌دهند: "افسوس برآنکه برای لذت بردن از همنشینی با قدیسان تو زحمت نکشید، قدیسانی

که غرامت زحماتی که اینجا دیدند، پذیرفته و دریافت کردند."

شهدا و قدیسان چشمان خود را بر آسمان دوختند و از طریق زحمات خود، به لذت وصف ناپذیر ملکوت خداوند رسیدند. تمامی فرزندان کلیسا همان روح را که رسولان و قدیسان را در سفر ایشان به سوی منزلگاه آسمانی یاری کرد، دریافت داشته اند. با اطاعت فروتنانه با الهام روح تمامی تعمید یافتگان می توانند به هدف نهایی خود دست یابند و "در مسکن پربرکت محفوظ شوند".

۲-۲-۲ تجلیل ابدی خداوند

برترین برکت بهشت حضور خداوند و ستایش جاودانه خدای سه گانه اقدس است، که همواره در جریان است. نیایش ها، بهشت را همچون مکان دائمی پرستش و نیایش

خداوند توسط فرشتگان و مقدسین تصویر می‌کنند: " هزاران در هزار و دهها هزار در دهها هزار، همراهان او در اعلیٰ علیین، شکوه او را در ترسان و لرزان می‌ستایند. جشن قربانا برای ایمانداران فرصتی است برای شرکت در پرستش جاودانه سرایندگان آسمانی. در اینجا جماعت نیایشگر سرود جلال فرشتگان را می‌خوانند: " با هزاران کروبیم و ده هزار صرافیم بیا، برای آن هدیه مقدس که به ما دادی بگذار تا با هم آواز سر دهیم، بخوانیم، تو قدوسی، قدوسی، قدوس. ای ذات مقدس. " رایحهٔ پرستش آسمانی که ایمانداران در آئین سپاسگذاری تجربه می‌کنند در ایشان اشتیاقی وافر در ایشان برای گذر از مرگ و رسیدن به منزلگاه آسمانی و شرکت در ستایش جاودانه خداوند، پدید می‌آورد. وعده مسیح مبنی بر اینکه هر کس که به او ایمان آورد، ملکوت و حیات جاودان را به میراث

خواهد برد، به آنان یادآوری می‌شود. قدیسان همچون نمونه‌ها و راهنمایانی در مسیر ملکوت، روبروی ایشان قرار می‌گیرند. به این ترتیب آئین سپاسگذاری چنین تقاضا می‌کند: ما را شایسته ساز، ای خداوند، تا با قدیسان تو، با تو، در ملکوت تو، تو را بسرائیم، در پادشاهی تو، جلال بر تو باد!" اینجا تجربه‌ی نیایشی، تبدیل به اصل راهنما و منشأ الهام ایمانداران برای حیاتی متمایل به آسمان می‌شود.

۲-۲-۳ تخت پرشکوه مسیح در آسمان

مسیح با مرگ و رستاخیز پرشکوه خود، شیطان و گروه او را شکست داده، پادشاه پیروز جهان شده است. خداوند او را پادشاه آسمان و زمین کرده است (فیل ۲: ۱۰) و تخت پر جلال او در آسمان بر دست راست پدر برقرار

شده است. اینک او "شاهنشاه آسمانی" است. پادشاهی آسمانی مسیح، امید اُخروی عظیم مسیحیان است چرا که ایشان ایمان دارند که روزی، آنها نیز با او در پادشاهی آسمان سلطنت خواهند کرد. در جشن صعود نیایش قربانی مقدس چنین می گوید:

" او میان بلندی‌ها و اعماق صلح برقرار کرد و در روز صعود خود آنها را شادمان ساخت؛ و او برای نجات ما به خدمت قدس الالقداس درآمد و با تجلیل و برافراشتن مردمان خود، چنان که نوشته شده است بر تخت پادشاهی بر دست راست پدری که او را فرستاده بود، بنشست."

دعاهای قربانی مقدس ارائه کننده تصویر زیبایی پادشاهی پر جلال مسیح در آسمان اند؛ آنجا که او با "شکوه"، "اقتدار" و "جلال" فرمان می‌راند. کروبیان پیرامون تخت

مهیّب او را گرفته اند؛ با ترس و لرز چهره‌های خویش را در بالهای خود پوشانده اند، چرا که نمی توانند چشم برافرازند و بر چهره پادشاه جلال بنگرند.

۲-۲-۴ مسیح خداوندِ فلک‌الافلاک

مسیح نه تنها خداوند این آسمان و زمین بلکه سرور "فلک‌الافلاک" است. نیایش قربانی مقدس پادشاهی را می‌ستاید که در "فلک‌الافلاک می‌تازد". مسیح در فلک-الافلاک بی‌مانند است چراکه هیچ موجودی در انبوه فرشتگان مانند او نیست. او در فلک‌الافلاک مقتدر است؛ میزبانان آسمانی شامل صرافیون و کروبیان با شور و عشق بی‌وقفه او را می‌ستایند. اصطلاح ویژه "فلک‌الافلاک" به بلندای پرشکوه مرتبه‌ای که مسیح از طریق کار نجات-بخش خود برافراشت، اشاره دارد. از طریق این اصطلاح،

نیایش قربانی مقدس به شرایط پرجلالی که طبیعت انسانی در نتیجه تنیافت، مرگ، رستاخیز و صعود مسیح بدان دست یافته اشاره می‌کند: "آن نوبرهایی که یگانه کلمه مولود پدر، از ما گرفت، به فلک‌الفلاک رسیده، بر گردونه کروبیان نهاده شده، راه را برای نژاد ما گشود."

بلندای جایگاه پرجلالی که مسیح به عنوان نوبر نژاد انسانی به آن صعود کرد، به سرنوشت نهایی طبیعت انسانی که هر فرد انسانی به سوی آن فراخوانده شده است، اشاره دارد.

۲-۲-۵ قربانی مقدس به عنوان پیش‌درآمد برکت آسمانی

جماعت پرستنده، پیش‌درآمد راستین برکت آسمانی را در قربانا می‌چشند. قربانی مقدس برکتی آسمانی است که برای آمرزش گناهان ما به ما عطا شده است. هدایای آسمانی از سفره ملکوت رسیده اند. در خلال آئین سپاسگذاری ایمانداران می‌توانند همراهی فرشتگان و مقدسین را در برابر تخت پرشکوه مسیح، در حال ستایش نام او ببینند. آنها می‌توانند صدای گوش‌نواز سرود فرشتگان را بشنوند که می‌گویند: "هان، آواز فرشتگان تو را می‌خواند، و جماعت کروبیان و صرافیون با صداهای بی‌وقفه شکوه تو را می‌ستایند." آنها هنگام تقدیم قربانی بهشتی، در عجب و شادی، با موجودات آسمانی آواز

پرستش سر داده و با همنواییِ آسمانی " آواز سه بار
قدوس " را می‌خوانند. هودرا، قربانا را به شکل " گونه
بهشتی " که برای ایمانداران فراهم شده و ایشان را دعوت
می‌کند به " پیش بیایید و در رازهای حیات بخش محظوظ
شوید، از جام نجات که مسیح برای شما درهم آمیخته
بنوشید ". Propria دعای قربانی مقدس را به عنوان کلید
گنجینهٔ الهی معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد که کلام و
اعمال ما نیز باید به زیبایی دعاها و سرودهایمان باشد.

۲-۳ مرگ ابدی

قربانی مقدس نه تنها یک تصویر زیبا از زندگی لذت-
بخش در بهشت ارائه می‌کند بلکه همچنین طرحی از
مرگ و نابودی ابدی آدمی در جهنم به دست می‌دهد.
هودرا دربارهٔ مجازات اُخروی ، که در انتظار شریران

است، سخن می‌گوید. در اینجا با داستان غم‌انگیز انسانی که از رسیدن به غایت اُخروی خود بازمانده است، روبرو ایم.

۲-۳-۱ Gehenna (جهنم) جایگاه شیران

دعای قربانی مقدس جهنم را (جایگاه) مجازات ابدی که برای بدکاران برپا شده معرفی می‌کند. شیران همچون علف هرزند که در میان گندمها می‌رویند. علفهای هرز در روز مهیب داوری از میان گندمها برچیده خواهند شد. "نگاهبانان به دستور تو می‌شتابند تا ناخالصی‌ها را از خرمن جدا سازند... شیران به جهنم افکنده می‌شوند و نیکان لذت را به میراث می‌برند." فرد باید خود را از تمامی اعمال شرارت‌بار دور نگاه دارد، چراکه هر کس باید برای آنچه در این جهان کرده است به داور عادل

پاسخ دهد، چراکه همه چیز در محضر او آشکار است. سرنوشت نهایی انسان بر اساس آنچه او در این جهان انجام داده یا موفق به انجام آن نشده است، تعیین خواهد شد. هر فرد الزامی جدی برای کمک به فقیران و نیازمندان دارد: "او که با شادی به ایلعازر چیزی نداد، نتوانست در جهنم سیراب نشدنی، به آرامش برسد." هودرا همواره از استعارات کتاب مقدس برای صحبت درباره طبیعت جهنم و شرایط شیرین فرو افتاده به آن، استفاده می کند. از جهنم به عنوان مکان مرگ و تاریکی که تحت کنترل قدرتهای شریر است، نام برده شده.

۲-۳-۲ شیطان: فرمانروای جهنم

شیطان فرمانروای جهنم است و تمامی ساکنان آن تحت فرمان او هستند. او همواره تلاش می کند که مردم را از

راه راست منحرف ساخته و آنها را به پادشاهی پلید خود درآورد. بذرهای کلام خدا در قلبهای مردم کاشته شده است اما شیطان بذر ناخالصی ها را در همان قلبها می کارد. سرانجام آنانکه راهای شیطان را پیروی می کنند، تحت سلطه او درمی آیند. اما مسیح به وسیله مرگ و رستاخیز خود بر شیطان و گروه او پیروز شده است: " در روز رستاخیز تو مرگ نابود شده، شیطان فرو افکنده شد و حیات تازه بر هم حکمروا گشت. " مسیح آئین توبه را در کلیسا برای نجات گناهکاران توبه کار که از بندهای شیطان در گریز اند، تأسیس نمود: "

ای خداوند، داروی توبه را به طبیبان ماهر که (همانا) کشیشان کلیسا هستند عطا فرما. باشد که آنانکه شیطان با بیماری های شرارت درهم شکسته است، آمده و زخم های

او را به رسولان طیب خردمند نشان دهند و آنان او را با داروی روحانی مداوا کنند."

۲-۲-۳ نان آسمانی ایمانداران را از جهنم حفظ می کند

قربانی مقدس، داروی حیاتی است که طیبیان کلیسا با آن بیمارانی را که توسط زهر گناه و شیطان مسموم شده اند را شفا می بخشد. هدیهٔ حیات نوین که علت گناه و مرگ را از میان می برد، در قربانا به ایمانداران بخشیده شده است. قربانی مقدس به ایشان توصیه می کند که رازهای حیات-بخشی که تأثیر مرگبار شیطان را از میان می برند، دریافت کنند. قربانی مقدس قدرت نجات ایمانداران را از عذاب جهنم و هدایت ایشان به شادی جاودانه بهشت دارد:

"این نانی است که هر که از آن بخورد از جهنم به دور خواهد بود پس دستان خویش را پیش آورید ای میرندگان. بگیرید و بخشیده شوید: حیات را به دست آوردید و با مسیح فرمانروایی کنید."

قربانی مقدس تن و خون آمرزنده است، که برای بخشایش گناهان و قرضهای ما پیشکش شده است. دعا‌های قربانی مقدس تأیید می‌کنند که مسیح خطایای خادمین خویش را که رازهای تن و خون او را دریافت کرده اند را به یاد نمی‌آورد. او در روز داوری نجات‌بخش ایشان خواهد بود و ایشان را از لعنت ابدی جهنم خواهد رهاند.

در رابطه با جهنم در این نیایش‌ها، می‌توان به دو نکته توجه داشت: ۱ اغلب *Propria* در *Onitha* *d'evangelion* دربارهٔ جهنم صحبت می‌کند که به

ایمانداران فرصتی می‌دهد تا زندگی خویش را در روشنای
کلام خدا نگریسته، خود را از راه مرگ ابدی دور نگاه
دارند. ۲ دعا‌های *Propria* بر قدرت قربانی مقدس در
نجات فرد از مرگ ابدی و جهنم بسیار تأکید می‌کنند.

۲-۴ پیروزی بر مرگ و هاویه (*Sheol*)

مرگ و رستاخیز مسیح، سمبل آزادی کامل نژاد انسانی
از تمامی دشمنانش است. قربانی مقدس، پیروزی مسیح را
بر مرگ و هاویه به وسیلهٔ سرودها و دعا‌های سال عبادی
گرامی می‌دارد.

۲-۴-۱ امید تازه بشر

مسیح به عنوان سمبل یگانهٔ امید تازهٔ نجات برای نژاد انسان که با عصیان نخست والدینش به ورطهٔ تاریک گناه و مرگ درافتاده بود، آمد. تنیافت مسیح نشانهٔ /مید نیک برای تمامی مخلوقات است. در تعمید او در رود اُردن، مسیح، انسانیت را به وسیلهٔ آب و روح با (جامهٔ) فسادناپذیری پوشاند. نیایش های قربانی مقدس شهادت می دهند که مرگ مسیح بر صلیب، نقطهٔ عطف سراسر زندگی بشر بود: "ای خداوند ما مسیح، با صلیب تو نسل ما نو شد. با صلیب تو ما حیات را یافتیم و با همان صلیب مرگ نابود گردید." در قربانی مقدس، کلیسا اعتراف می کند که پسر خدا فرزندان او (کلیسا) را با راز مرگ خویش، متولد کرده است.

۲-۴-۲ جشن زندگی تازه در مسیح

حین جشن گرفتن قربانا، کلیسا پیروزی مسیح را بر صلیب گرامی داشته و ثمرهٔ این پیروزی عظیم را به شکل تن و خون حیات بخش میان فرزندان خود تقسیم می کند. تجدید خاطرهٔ پیروزی بر شیطان و مرگ توسط مسیح، قلب کلیسا را با شادی و شور عظیمی پر کرده و او چنین آواز سر می دهد: "بر آید و بلند فریاد کنید ای میرندگان، چرا که سلطهٔ مرگ نابود شده است. مسیح با رنج خویش بر مرگ غلبه کرده و با رستاخیزش حیات را وعده داده است. بهوش، آسمان و زمین شادی کنند و فوج های فرشتگان بلند بخوانند، جلال بر او باد که با رستاخیز خود به نژاد انسان که رو به نابودی می رفت، زندگی می بخشد."

دعای قربانی مقدس از ایمانداران می‌طلبد که جان و تن خویش را برای دریافت رازهای حیات بخش که ایشان را از مرگ و فساد نجات می‌بخشند و در مسکن آسمانی به ایشان حیات می‌بخشند، آماده سازند. هودرا اثرات اصلی قربانی مقدس را شامل آمرزش گناهان، نابودی کامل گناه و مرگ و همچنین زندگی جاوید می‌داند. از ایمانداران خواسته می‌شود تا با ایمان و شادی، تن و خون مسیح را دریافت کنند مرگی (که او با آن به جای ما مرد)، که به واسطه آن ما به رستاخیز و حیات ابدی امیدوار ایم.

۲-۴-۳ انهدام هاویه (Sheol)

هاویه جایگاه مردگان است. پیروزی مسیح بر مرگ، پیروزی مسیح بر قدرت هاویه بود که تا پیش از آن تمامی مردگان را در بند خود اسیر داشت. مسیح تمامی

ارواح نیک را که تحت اسارات هاویه بودند، نجات بخشید. فرو شدن مسیح به سرای مردگان، پس از مرگش بر صلیب، بنیان قدرتهای هاویه را به لرزه درآورد: "اگر شیران از (دیدن) جسم دانیال به لرزه در افتادند، چقدر بیشتر هاویه و گناه از تن خداوند ما به لرزه در آمد." رستاخیز مسیح نشانه انهدام هاویه بود. در شامگاه یکشنبه میلاد دعای قربانی مقدس چنین می گوید: "امروز قلب من شاد است و غرور من وجد می کند و به راستی بدنم در امید می آرامد. چراکه تو روح مرا در هاویه تنها نگذاشته ای و اجازه نداده ای که قدوس تو فساد ببیند." هودرا مسیح را همچون طبعی می نگرد که به هاویه نزول کرده و ایشان را که توسط زهر گناه مسموم شده بودند، شفا بخشید. اگرچه قدرت هاویه توسط مسیح نابود گردید، هنوز تاثیر خود را بر آنانی که در راههای شرارت گام

برمی دارند می گذارد. قربانی مقدس برای ایمانداران همچون محافظی در برابر تأثیر بد قدرتهای هاویه، عمل می کند. پس هودرا ایمانداران را چنین نصیحت می کند:

"هان، داروی حیات که از بالا آمده و رازآمیز در تن و خون پنهان است، در کلیسا پخش می شود. پس از میرندگان که با گناهان خویش درهاویه مسکن گرفته اید، دستان خویش را پیش آورید."

فرو شدن مسیح به هاویه و در هم شکستن زندانهای او، موضوع مهمی در نوشته های پدران کلیسای شرق سریانی است. تفکر سریانی هاویه را اقامتگاه مردگان تا هنگام رستاخیزشان در روز آخر می داند. هاویه را نباید یک جایگاه خاص پنداشت بلکه باید دانست که هاویه وضعیت

مردگانی است که منتظر جزای نهایی در حضور خداوند اند.

۲-۵ بشر در برابر داوری آسمانی

آئین سپاسگذاری ایمانداران را به گام برداشتن در راههای خداوند ترغیب کرده و به ایشان یادآوری می‌کند که روزی باید دربارهٔ زندگی خود به داوری که "جانب هیچ کس را نمی‌گیرد" و داور عادل که هر کس را بر اساس اعمالش جزا می‌دهد، پاسخ‌گو باشند. پس از بدکاران خواسته می‌شود که افکار خویش را تغییر داده، به سوی خداوند بازگشت کنند.

۲-۵-۱ تخت داوری در آسمان

هودرا/ مسیح را همچون داور اُخروی که تختش در آسمان برقرار شده است تصویر می‌کند. داوری اُخروی بخش جدایی‌ناپذیر رازهای فصیحی مسیح است: " مسیح بر صلیب شده، مرده و دفن گردید و پادشاه عظیم جلال برخاسته و حیات تازه را کسب کرد. او به آسمان صعود کرده و بر همگان حکم می‌راند و او برای داوری زندگان و مردگان خواهد آمد". شریان باید از داوری مسیح هراسان باشند چراکه او داور عادل است که سراسر زندگی هر فرد را بررسی می‌کند. هر فرد، همانطور که دیگران را هنگام زندگی خود داوری کرده، توسط داور آسمانی قضاوت می‌شود. آنکه خود را داوری کرده و دیگران را قضاوت نمی‌کند، توسط داور آسمانی نیز مورد

قضاوت قرار نخواهد گرفت. آنکس که دستانش را درپاکی نگاه داشته و بدی نکند، توسط داور آسمانی پاداش خواهد یافت. آئین سپاسگذاری به ایماندارن توصیه می‌کند که خود را با تقوا و تقدس آراسته کنند تا قادر باشند با اطمینان و شهامت در برابر تخت داوری مسیح بایستند.

۲-۵-۲ قاضی بخشنده

هودرا مسیح را به شکل قاضی عادل که هر کس را بر حسب رفتارش در برابر خداوند و انسان‌های دیگر جزا می‌دهد، نشان می‌دهد. درعین حال او عامل بخشنده عدالت الهی نیز هست که نسبت به کوتاهی‌های طبیعت ضعیف و شکننده انسانی، مشفق است. "ای کاهن اعظم... آن هنگام که تخت داوری ات را برپا می‌کنی، گناهان ما را

بیمارز، چرا که تو با رنج‌های طبیعت ما، که خودت برای
رستگاری ما در آنها رنج برده و وسوسه شده‌ای، آشنا
هستی.

قربانی مقدس اطمینان دارد که مسیح آن هنگام که برای
داوری و دادن مزد کارگانش می‌آید نسبت به بشر
بخشنده خواهد بود و از خداوند بخشنده، مهربانی-مُحبّانه
می‌طلبد تا با خادمانش همچون کارگرانی که در ساعت
یازدهم روز برای کار در تاختستان آمده‌اند، رفتار کند.
گرچه بسیاری از طریق انکار راه‌های خداوند، خود را به
خدمت شرارت و گناه درآورده‌اند، از قاضی الاهی
خواسته می‌شود که شرارت ایشان با مجازات، عوض ندهد
بلکه در فیض خویش بر آنان رحم آورد: "در برابر تخت
داوری مهیب تو، آنجا که تمامی ما خواهیم ایستاد تا جزا
یابیم، هر یک از ما در تن خویش، در جستجوی مهیب

عدالت تو، بر طبق آنچه انجام داده است، بد یا نیک، بر
آنان که تن و خون تو را دریافت داشته اند، رحم فرما ای
خداوند."

تن و خون مسیح برای آمرزش گناهان و بخشایش
قرضهای ایمانداران به ایشان عطا شده، و ایشان توسط
قدرت همان تن و خون، از لعن و داوری ابدی نجات یافته
اند. پیروزی مسیح بر مرگ و شیطان، ایمانداران را از
لعنت ابدی نجات بخشیده و ایشان در قربانا، نان حیات را
به عنوان اطمینان از نجات ابدی و حیات پر جلال با مسیح
دریافت می کنند. اگرچه *Propria* درباره داوری صریح
و بیطرفانه قاضی اُخروی صحبت می کند، تصویر عمده ای
که در اینجا دیده می شود تصویر داوری مهربان و بخشنده
است

۲-۶ جشن عروسی اُخروی

مضمون مهم آخرت‌شناختی که در دعا‌های هودرا یافت می‌شود، مفهوم جشن عروسی، در پادشاهی آسمان است. نیایش آئین سپاسگذاری برترین برکت پادشاهی آسمان را شرکت در جشن عروسی داماد اُخروی و عروس او است. تمامی ایمانداران به شرکت در این جشن دعوت شده‌اند:

"ای شما که فراخوانده شده‌اید، ای فرزندان نور، نزدیک شوید و در جشن عروسی آن داماد که ما را به زندگی نوین درآورده و وارثان پادشاهی اعلای خود کرده، شادی نمایید. نیایش‌ها، حجله عروس را جای اتحاد کامل مسیح با عروس خویش برمی‌شمارند و عنوان می‌کنند که تمامی برگزیدگان در این اتحاد الاهی ابدی شرکت می‌نمایند.

۷-۲ جلال قدیسان در آسمان

قدیسان شهروندان پادشاهی آسمان و اند و همچنین نمونه و الهام بخش مسیحیانی هستند که در راه خویش به سوی پادشاهی آسمان در حرکت اند. *Propria* تصویر زیبایی از جلال آسمانی قدیسین، رسولان و شهیدان به دست داده و شفاعت آسمانی ایشان را در شرایط دشوار زندگی مسیحیان بر زمین جویا می‌شود.

۱-۷-۲ تاج جلال

رسولان و قدیسان تاج مظفرانه جلال را به واسطه زندگی پرشور خود در راههای خداوند بر زمین، به دست آورده اند. صلیب مسیح در مقابله با رنج‌های زندگی الهام‌بخش ایشان بوده: "ای منجیِ ما، قدیسان؛ همانها که با صلیب تو تاجگذاری شدند، با قدرت یاری تو در آزمایشات

خویش پیروز گشتند، چرا که تو به وسیله قربانی خود به ایشان (این فیض را) عطا کردی تا از حکمت تو بنوشند." آنان در پیروی از راه فرشتگان غیور بودند و در برابر راههای شیطان مبارزه کرده، قدرتهای شریر را شکست دادند. آنان با سپر ایمان با تمامی مذاهب دروغین مبارزه کردند و بر تمامی آنچه در مسیر تعلیم خداوند، قرار داشت فائق آمدند. آنها نیرومندان در مبارزه ایستادگی کرده و تمامی کفرگویی‌ها و بدعت‌ها را شکست دادند. "مسیح آنها را در جلال بالا برده و تاج غرور بر سر ایشان نهاده است و به ایشان شرکت در زندگی شگفت‌انگیز پادشاهی آسمان را عطا کرده است. در سالروز گرامیداشت قدیسان و رسولان، جماعت پرستندگان سرود جلال فیض روح-القدس را که ایشان به وسیله آن تاج‌های پیروزی را دریافت کرده‌اند، سر می‌دهند. با این امید که همان تاج

را در زندگی آینده به دست آورند چرا که مسیح " شادمانی در اورشلیم آسمانی یعنی آنجا که عادلان تاج خود را دریافت می کنند، به ما وعده داده است. " دو گرایش عمده در تفکر پدران سریانی شرق و متون نیایشی آن دربارهٔ پاداش اُخرویِ عادلان وجود دارد. گاه تمامی مردگان را تا رسیدن خداوند در "خواب" در هاویه تصویر کرده، می گویند عادلان هنوز پاداش خود را دریافت نکرده اند. اما چنان که در بالا مشاهده شد، گاه عنوان می کنند که قدیسان تاج پیروزی را دریافت کرده اند و اینک از برکت آسمانی برخوردارند. تلاش برای تطبیق این دو دیدگاه با یکدیگر و ساختن قاعدهٔ واحدی از نوشته های پدران و نیایش ها، بیهوده خواهد بود.

۲-۷-۲ یاری آسمانی قدیسان

رسولان و قدیسان، سفیران مسیح بودند که بذر صلح را بر زمین کاشتند. تخت افتخار در بهشت در ازای زحمات و رنجهایشان و برای برقراری پادشاهی آسمان به ایشان بخشیده شد. اینک ایشان همان کار را با نیایش و شفاعت برای کلیسا در آسمان ادامه می‌دهند. مسیحیان به شفاعت قدیسین پناه می‌برند و جشنهای یادبود قدیسین فرصتهایی هستند تا ایمانداران یاد ایشان را در کلیسا زنده نگاه داشته و یاری و محافظت ایشان را در زندگی روزانه خود بطلبند. در جشن نخستین شهید یعنی استیفان قدیس، آئین سپاسگذاری چنین دعا می‌کند:

" ای شهید بزرگوار و مقدس ای استیفان، ای نخستزاده شهیدان، نخستین کس که تاج بر سر می‌نهد و به حجله

عروسی نور درمی آید، از سرور خویش بطلب تا آرامش
خویش را در خلقت ساکن گرداند. باشد که دعاهاى تو
ما را یارى کرده در نور شادمان سازد."

جشن قربانا فرصتى خاص است براى یادآورى رسولان و
شهیدانى که قدرت و شهامت زندگى خود را از همان
قربانى مقدس دریافت کرده اند. جماعت پرستنده حضور
اُخروى جماعت آسمانى قدیسان را در قربانا تجربه مى-
کند. هودرا در جشن پطرس و پولس چنین مى خواند:
"سرود ستایش خواندن در این سرای مقدس چه بجاست
که در آن انبیا، رسولان، شهیدان، کشیشان، معلمان
حاضرند و در آن سفره بخشش نسل آدم گسترده است."
نیایش قربانى مقدس، جشنهای یادبود قدیسان را همچون
پیش درآمد جشن عروسی آسمانى که در آن تمامی
ایمانداران دعوت شده اند " تا در جشن عروسی او

شادمانی کنند، تا او میهمانانش را در جشن خجستهٔ دوستانش شادمان کند." جشن قربانا به ایمانداران تجربه-ای از مشارکت مقدسین عطا می کند که در آن جماعت‌ها زمینی و آسمانی مقدسان گرد آمده و یک کلیسا می‌شوند. جماعت زمینی، یادبود جماعت آسمانی را جشن می‌گیرد که برای او شفاعت می‌کند.

۲-۸ مریم باکرهٔ خجسته: ملکهٔ آسمان

سنت سریانی شرق بر جایگاه رفیع مریم مقدس در کلیسا و آسمان تأکید بسیار می‌کند. روزهای یادبود مریم در این سنت نیایشی با اشتیاق گرامی داشته می‌شوند. دعا‌های گوناگونی که در این مناسبت‌ها خوانده می‌شوند، به وضوح نقش مهم مادر خدا در نجات بشر را نشان می‌دهند.

۲-۸-۱ مادر متبارک پادشاه آسمانی

مریم باکره خجسته، مادر شاهنشاه آسمانی است. نیایش
آئین سپاسگذاری در ستایش مقام والای مادر منجی، بسیار
سخاوتمندانه است:

خجسته‌ای تو ای مریم، آنکه زنان و دختران و دختران
شهزادگان به تو غبطه می‌خورند. خجسته ای تو ای مریم
که نامت به خاطر نسل تو والا و متعالی است. خجسته ای
تو ای مریم چرا که شایسته شمرده شدی تا مادر و کنیز
پسر خداوند همگان باشی و به سزاست که ما با فرشتگان
او را بسرائیم؛ هلولیا!

مریم دختر پادشاه است که ظاهراً و باطناً آراسته شده
است. او باطناً با جلال آراسته شده و لباس ظاهر بیرونی
او با طلای ناب آراسته شده است." او با هدایا به نزد

پادشاه خواهد رفت، و ایشان باکرگان همراه او را بعد از وی خواهند پذیرفت." دعا‌های این بخش، مریم را به عنوان دختر خدای پدر، همسر روح القدس و مادر یگانه پسر معرفی می‌کنند. او در میان زنان خجسته‌ترین است چراکه وسیله‌ای مهم در نجات نژاد بشر بوده و اینک جایگاهی والا در آسمان دارد.

۲-۸-۲ نقش مریم در نجات بشر

مریم باکره خجسته، نقش برجسته‌ای در مسیر نجات بشر داشت. نژاد بشر به وسیله گناه آدم و حوا قربانی گناه و مرگ شد. مسیح، آدم نوین، به وسیله تنیافت، مرگ و رستخیزش بشر را از بندهای گناه و مرگ آزاد کرد. از آنجا که مسیح در تاریخ نجات نمونه آدم است، مریم مقدس نیز نمونه حوا است. آدم نخستین از طریق یک زن

عصیان ورزیده؛ و از طریق مریم مقدس و بوسیلهٔ مسیح از فسادى که یافته بود، رهانده شد. خدا مریم را از میان تمامی زنان برگزید تا مادر مسیح و همکار او در مسیر نقشه نجات باشد. پس مریم سمبل شایستگی و غرور تمامی زنان است: "ای خداوند همگان، آن زن خجسته‌ای که نام تو را دوست می‌دارد، تو را شکر می‌گذارد، چراکه تو مریم را از میان جنس ایشان برگزیدی... و اینک کلیسای مقدس روز یادبود باکره را گرامی می‌دارد." تصویر آدم از طریق مریم، یکی از نوادگان حوا احیا گردید. مریم جسم انسانی به مسیح داد که نورانیت او را پوشانیده، نژاد ما را نجات بخشید.

مریم وسیلهٔ نجات تمام جهان گردید. زمین دیگر مملو از رنج آزارندهٔ گناه نخواهد بود، چراکه میوهٔ خجستهٔ مریم باکره زمین و آسمان را تازه کرده است و تمامی انحرافات

شریرانه گناه را نابود ساخته است. اینک مریم کار نجات -
بخش خود را از طریق شفاعت برای فرزندان کلیسا و
تمامی جهان، در آسمان ادامه می دهد. نیایش های قربانی
مقدس وساطت و شفاعت او در برابر شاهنشاه آسمانی را
برای انسانیت و جهان چنین گرامی می دارد: "ای مریم
مقدس از مسیح ملتمسانه بخواه، تا بر جهان رحمت آورد
که به دعای تو پناه می آورد. و باشد که کلیسا شادی
کرده، فرزندان او در برابر آزار و اذیتِ اتهام زنده بی رحم،
محافظت گردند.

مریم به عنوان تنها کسی که به عنوان بخشی از این دنیا،
نجات دهنده ای را به آن بخشید، جایگاه خاصی در تاریخ
سراسر جهان مادی دارد. او بر دامهای شیطان که آدم و
حوا در آن گرفتار آمده بودند، غلبه یافته است. نقش
نجات بخش مریم، باید از طریق رابطه اش با فرزندش،

مسیح نگریسته شود و این از اهمیت نقش مسیح به عنوان یگانه منجی نمی‌کاهد. پس نیایش‌ها او را به واسطه پسرش می‌ستایند: "خجسته‌ای تو ای مریم، که نام تو به خاطر نسل تو متعال است". سنت عبادی شرق سریانی به خوبی از نقش نجات‌بخش مریم در تاریخ بشر و کمک آسمانی او در شفاعت برای کلیسا و همگان به فرزند مقدسش، آگاه است.

۲-۸-۳ بشارت خبر خوش نجات

بشارتی که مریم از جبرائیل فرشته دریافت کرد، آغازگر عصر جدیدی از امید و نجات برای بشریت و تمامی جهان مخلوق بود. سنت سریانی شرق اهمیت بسیاری به این رویداد عظیم می‌دهد. رویدادی که مریم در آن نقشی حیاتی ایفا کرده، سرنوشت جهان را دیگرگون کرد. سال

عبادی شرق سریانی با فصل بشارت میلاد آغاز شده و نیایش های آن اهمیت تاریخی و اُخروی این رویداد را نشان می دهند:

"بشارتی که مریم دریافت کرد، از لبریز از نجات بود، چرا که او مسیح را بی بذر و رابطه جنسی باردار شد، که روح القدس به تنهایی بر وی فرود آمد و قدرت یگانه متعال بر وی سایه افکند."

بشارت میلاد، به واسطه روح القدس سرآغاز خلقتی تازه بود، که نشانه طلوع زمان آخر (اعم ۲: ۱۷) بود. این رویداد عظیم در تاریخ جهان، سمبل امید در نومییدی و حیات در مردگی و ثمر در بی ثمری بود. مریم از شنیدن درود فرشته خداوند آشفته شد. اما آشفته گی مریم "سبب آرامش جهان، جلال در آسمان و امیدی نیکو برای تمام مخلوقات" شد. انسانیت دیگر به فساد مرگ سپرده نشده،

بلکه در نجاتی که خالق به او بخشیده شادی می‌کند. نجاتی که او در محبت از طریق یک میانجی که به وسیلهٔ مریم مقدس طبیعت انسانی یافت، عطا کرد. مریم با اطاعت خویش از کلام خدا که فرشته به او گفت، بر تمامی آثار گناه که آدم و حوا با نافرمانی نسبت به کلام خدا، وارد جهان کرده بودند، غلبه کرد.

۲-۸-۴ ملکه بهشت

کمالی که مریم به دست آورده از تمامی کمالات آدمیان و فرشتگان برتر است. او از آغاز زندگی از فیضی عظیم برخوردار بود که مدام در روح زیبایش گسترش می‌یافت. فرشته خداوند با مشاهدهٔ وفور فیض در مریم او را درود گفت: " درود بر تو ای که پر از فیضی؛ خدا با توست، خجسته‌ای تو در میان زنان " (لو ۱: ۲۸) . این تأیید الاهی

و فور فیض در اوست. نیایش های آئین سپاسگزاری نیز این "تبرک" او را با احترام، درود می گویند. ذکر "خجسته ای تو ای مریم" به اضافه صفات و خصایل پرافتخار او بارها تکرار می شوند. مسیح، مادر خود را برتر از تمامی فرشتگان و قدیسان نشانده است. "آن منجی... رودی از فیوضات را بر او (مریم) جاری ساخته، او را ملکه فرشتگان گردانید. مریم مقدس در زمان زندگی زمینی قدیسان برای ایشان نمونه کمال مسیحی بوده؛ اینک ملکه ایشان در آسمان است." خداوند قدرت عظیمی به باکره ارزانی داشت و او برفراز تمامی پارسایان شأنی یگانه یافت. "تقدس روح را به سوی اتحاد با خداوند می-کشاند. هرچقدر قدوسیت و فیض الهی افزون باشد، اتحاد بیشتر خواهد بود. از آنجا که مریم از فیضی انبوه و

بالاترین درجهٔ قدوسیت برخوردار بود؛ نزدیکترین به خدا در آسمان است.

کلیسای سریانی شرق به خاطر اطلاق لفظ "مادر مسیح" به مریم مقدس، هدف سوءظن‌ها و انتقادات بسیار قرار گرفته است چنان که گویی این کلیسا مادری الاهی و شأن والای مریم مقدس را نپذیرفته است. اما نگاهی اجمالی به نیایش‌های این کلیسا برای دریافتن "راست-کیشی" این کلیسا دربارهٔ مریم مقدس کافی است. (نظریه‌های مریم‌شناختی) این نیایش‌ها او را به عنوان نمونهٔ کامل جلال اُخروی به نمایش گذاشته و او فرزندان کلیسا را یاری می‌کند تا به همان جلال آسمانی دست یابند.

نتیجه گیری

در نظر به نیایش‌های گوناگون قربانای سریانی شرق، می‌توان دید که بسیاری از دعا‌های *Propria*، رنگ و بوی آخرت‌گرایانه آشکاری داشته و به وضوح اندیشه تکامل (آخری) مسیحیان را می‌رسانند. ترتیب کنونی سال عبادی و هودرا (مجموعه نیایش‌های مناسبتی) که توسط ایشویاب سوم ایجاد شده است. ظاهراً بر دیدگاه گرامیداشت سالانه نجات استوار است که شامل رازهای مسیح و کلیسا است. رازهای مسیح که در نیمه نخست سال عبادی جشن گرفته می‌شوند، با اعلام خبرخوش آغاز شده و با میلاد مسیح و تعمیدش و آنگاه مرگ و رستاخیز و صعود پر جلال او به آسمان ادامه می‌یابند. رازهای کلیسا با تولد کلیسا در عید نزول روح القدس (پنطیکاست) آغاز شده با امتداد رشد آن و بالارفتن در جلال آسمانی

مسیحیان و کلیسا ادامه می‌یابند. به این ترتیب جلال
اُخروی مسیح، مسیحیان و کلیسا نقطهٔ اوج سال عبادی
است. همچنان که جماعت پرستندگان در فصول مختلف
سال عبادی پیش می‌روند، این هدف اُخروی همواره در
برابر آنان حاضر است.

در نگاه دقیق‌تر به نیایش‌های فصول مختلف می‌توان دید
که اگرچه سه فصل آخر سال عبادی برای لحن اُخروی
شان مورد توجه هستند، اما مضامین آخرت‌شناختی تنها به
این فصول منتهی نمی‌شوند بلکه از آغاز سال در تمامی
فصول گسترش می‌یابند. بنابراین تنها در پیش‌گرفتن
رویکرد تاریخی در مطالعهٔ روح سال عبادی سریانی چندان
منصفانه نخواهد بود. اگر به رازهای مسیح و کلیسا از
منظری آخرت‌شناختی بنگریم و به فصول بشارت-میلاد-
ایفانی به عنوان امتداد رویدادهای اُخروی ای نگاه کنیم

که در انتهای سال قبل گرامی داشته شده اند، (چنان که در چرخه سال عبادی چنین نگاهی که در آن ابتدا و انتها به هم می‌رسند، ناگزیر است) درک ما از سال عبادی بسیار متفاوت خواهد بود. به این ترتیب گرامیداشتِ رازهای نجات، نه تنها یادآوری و تجدید خاطرهٔ رویدادهای گذشته بلکه گرامیداشتِ امیدی خواهد بود که زندگی مسیحی را بسیار امیدوارانه تر و پرمعنا تر می‌سازد.

اخيراً پیشنهاد شده که برای درک عمیقتر جشن قربانا، نیایش های *Propria* در کلیسای سیرو مالابار (*Syro-Malabar*) برای مدتی به زبان محلی (*Malayalam*) برگزار شوند. اما این نمونهٔ خوبی از نوگرایی عبادی بدون توجه به نبوغ و روح اصیل سنت سریانی شرق است. یک نظر بی طرفانه به این نیایش جدید نشان می‌دهد که این نیایش نمی‌تواند حق مطلب را دربارهٔ هودرای سریانی

شرق ادا نماید. بسیاری از دعا‌های مهم حذف شده، دعا‌های جدید افزوده شده اند و مترجمین معنای بسیاری از دعاها را بی‌ملاحظه تغییر داده‌اند. دعای پیش از *Marmita*، تعدادی *Karozuthe*، دو دعای شکرگذاری پیش از برکت دادن نهایی، و هوتامای روزانه، بدون توجه به روح الاهیاتی و عبادی قربانای سریانی شرق، بازنویسی شده اند. سبک آخرت‌شناختی غالب در نیایش‌های قربانا، تقریباً به تمامی در این نسخه جدید غایب است. برای نمونه در بررسی بخشها و دعا‌های گوناگون آئین سپاسگذاری دیدیم که قربانا وقتی به سنت مشارکت و شکرگذاری می‌رسد، آخرت‌گرایانه‌تر می‌شود. تمامی دعاها در سنت شکرگذاری برای لحن اُخروی شان برجسته هستند. اما دعاها و هوتامای جدید هیچ توجهی به این وجه قربانا نداشته و به شکل دعا‌های

ساده ای برای نیازهای مادی درآمده اند. ممکن بود در این نیایش ها این توجه صورت گیرد و قربانا می توانست با امید اُخروی که زندگی مسیحی را پرمعناتر می سازد، پایان یابد. به امید آنکه کلیسای سیرومالابار پس از این دوره آزمایشی، از نیایشهایی وفادارتر به میراث غنی هودرای سریانی شرق برخوردار شود.

فصل سوم

زندگی در ملکوت

پیشگفتار

ظاهراً تا قرن چهارم، تمام جهان مسیحی، یکپارچگی آئین‌های ورود را دست نخورده حفظ کرده بود. تعمید، تدهین و آئین سپاسگذاری به شکلی یکپارچه، به عنوان دروازه‌های ورود به کلیسا در خدمت رشد همه‌جانبه افراد تعمیدیافته بوده اند تا آنان را سزاوار سفر آسمانی‌شان سازند. کلیسا با توجه به استقلالش در قرن چهارم شاهد افزایش شمار گروندگان بوده است، که رسیدن اسقفان برای انجام آئین‌های ورود، به چندین جای مختلف در یک روز دشوار می‌گردد. به این ترتیب تنها دو گزینه در برابر کلیسا بود؛ اینکه همچنان برگزار تدهین را مختص اسقفان نگاه دارد و یا آنکه اختیار برگزاری تمامی آئین را به کشیشان نیز بدهد. غرب انجام این آئین را به اختیار اسقف واگذار کرد تا بتواند بعدتر در زمانی که

فرصت انجام آن را دارد آن را به انجام برساند که این کار یکپارچگی آئین را در میان آنها تحت تأثیر قرار داد. در حالیکه شرق با بخشیدن حق انجام این آئین به کشیش یکپارچگی آئین‌های ورود را حفظ کرد.

جدایی در غرب یک روند تدریجی بود. تا قرن پنجم گسترش الاهیات آئین تثبیت راه را برای محو شدن واژه تدهین در غرب فراهم کرد، عبارت تثبیت نخستین بار به شکل اصطلاحی عبادی در تصویب نامه سوم شورای ریتز (۴۳۹ م) به کار رفت و تصویب نامه دوم شورای اورنج (۴۴۱) نیز همان عبارت را مجدداً به کار گرفت. که منظور از آن، مداخله نهایی اسقف در تثبیت (یا تأیید) نوایمان در فیض و ایمان کسب شده در تعمید بود. فاستوس اهل ریز در حدود سال ۴۶۰ در نخستین یکشنبه پس از عید پاک، در گل برای نخستین بار دربارهٔ صحت

تثبیت به عنوان یک سنت جداگانه سخنرانی کرد.
تعلیمات او بعدها به پایه نظریه تثبیت در غرب تبدیل شد.
او از نظر الاهیاتی تعمیم و تثبیت را به این ترتیب مشخص
کرد:

تعمید:

۱. معصومیت کامل شده
۲. نوزادگی اعلام گشته
۳. خلوص کسب شده

تثبیت:

۱. فیض به کمال رسیده
۲. مبارزه اعلام شده
۳. استحکام به دست آمده

به این ترتیب به نظر می‌رسد تا قرن یازدهم تمامی غرب با جدایی تثبیت از تعمید، یکپارچگی آئین ورود را از دست داد. پس از آن حتی به انجام آیین سپاسگذاری به همراه تعمید ادامه دادند. به این ترتیب دستور انجام سنتی آئین ورود از تعمید-تدهین-سپاسگذاری در غرب به تعمید-سپاسگذاری و بعدتر تثبیت، تغییر یافت. از آنجا که کشیشان شرق توانایی انجام تدهین را به همراه تعمید و سپاسگذاری داشتند این مشکل هرگز در شرق پدید نیامد.

فکر جدا کردن تعمید و آیین سپاسگذاری نیز در قرن سیزدهم پدید آمد. شورای پنجم لاتران (۱۲۱۵) بر نیاز به اعتراف پیش از دریافت قربانی مقدس تأکید کرد. توماس آکوئیناس بر پیشنهادات شورا صحنه گذارد و شورای ترنت (۱۵۴۶) جدایی آیین سپاسگذاری از آیین ورود را

به انجام رساند. به این ترتیب انجام تعمید به همراه آیین سپاسگذاری نیز در غرب ناپدید گردید. در نتیجه آیین ورود یکپارچگی کاملش را از دست داده، انجام جداگانه هر یک از سنت‌ها را در پیش گرفت. قانون انجام سنت‌ها در غرب چنین است: تعمید نوزادان در چند هفته نخستین پس از تولد، دریافت قربانی مقدس پس از رسیدن به سن عقل و تثبیت در سن تشخیص.

شرقی‌ها هرگز یکپارچگی آیین ورود را از دست ندادند. آنها با توجه به نقش عظیم این آیین‌ها در رشد روحانی، آفرینش نوین، استحکام تازه، و یافتن حیات نو توسط اعضای کلیسا، پیوند محکم میان آیین‌های ورود را حفظ کردند. آنانکه در تعمید حیات نو یافته‌اند، برای تقویت در هدایای روح و تغذیه روحانی به منظور تبدیل

شدن به اعضای کامل کلیسا، نیازمند عطای فوری تدهین
و نیز قربانی مقدس اند.

یکپارچگی

یکپارچگی آئین‌های ورود در متحد کردن مسیحیان در
تعمید مسیح، رازهای رستاخیز و نیز بدن رمزآمیز او
تاثیرگذار اند.

الف. تعمید مسیح

آئین ورود مسیحیان را در تعمید مسیح متحد می‌سازند.
یعنی تعمید در رود اردن که پدر و روح‌القدس در آن
یکپارچگی خود با مسیح را اعلام داشتند. پدر محبویت
فرزندش را با کلام خود یعنی: "تو پسر محبوب من
هستی"، اعلام کرد. روح‌القدس نیز با قرار گرفتن بر پسر

به شکل کبوتر (مت ۳ : ۱۶-۱۷)، وامدار بودن خود به او را استوار ساخت. به این ترتیب هر دوی آنها وضعیت الاهی پسر را در پیوستگی با ایشان تأیید کرده، و آن را در معرض دید جهان گذاشتند.

به همین ترتیب تعمید اعلام کننده محبوبیت تعمید یافته نزد پدر است، تدهین بیانگر وامدار بودن ایشان به روح-القدس و قربانی مقدس مبین اتحاد ایشان با پسر است. به این ترتیب این آئین‌ها دریافت کنندگان‌شان را با تدارک آزادی کامل فرزندان خدا، توسط رهایی دادنشان از بندگی شیطان (روم ۶ : ۱۷-۱۸) و برافراشتن ایشان تا همانندی قدیسان، (روم ۷ : ۱؛ اول قرن ۱ : ۲؛ دوم قر ۱ : ۱؛ افس ۱ : ۱؛ کول ۲ : ۱) برای زیستن با مسیح، صمیمانه با سه گانه اقدس متحد می‌سازند.

ب. رازهای فصیحی (رستاخیزی)

آئین ورود، دریافت کنندگان را به اتحاد با رازهای فصیحی مرگ، رستاخیز، صعود مسیح و نزول روح القدس و قربانی مقدس می‌رساند.

یگانه شدن با رازهای مرگ و رستاخیز از طریق تعمید صورت می‌گیرد. غوطه‌وری تعمیدی نشانهٔ مرگ نسبت به گناه است (روم ۶: ۲-۴) و برآمدن از آب نشان‌دهندهٔ رستاخیز به حیات (روم ۶: ۴) است. در نتیجه خلقتی جدید صورت گرفته و تعمیدیافته فرزند خدا و وارث ملکوت می‌شود.

اتحاد در رازهای صعود مسیح و نزول روح القدس از راه تدهین به انجام می‌رسد. خداوند رستاخیز کرده، روح-القدس خود را دوبار یعنی هنگام صعود خود و روز

پنطیکاست به رسولان بخشید. نخستین عطای روح همانند صعود او به سوی پدر به شکلی خصوصی انجام گرفت. در سحرگاه روز رستاخیز عیسی از مریم مجدلیه خواست از آنجا که هنوز به نزد پدر صعود نکرده، او را لمس نکند (یو ۲۰: ۱۶-۱۷). درحالیکه او در شامگاه همانروز، پیش از آنکه روح القدس را برای حیات نوین شاگردان بر آنها بدمد دستان و پهلوی خود را به شاگردان نشان داد (یو ۲۰: ۱۹-۲۲) چنان که آنها اجازه داشتند او را لمس کنند. این امر به صعود پنهانی او به سوی پدر، بین او دو زمان اشاره دارد.

دومین اعطای روح القدس، ده روز پس از صعود علنی او به سوی پدر، در روز پنطیکاست (اعم ۲: ۱-۴) و به منظور تقویت ایشان با هدایای روح القدس (لو ۲۴: ۵۰-۵۱)، در ملأ عام صورت گرفت. این عطاهاى خصوصی و

عمومی روح القدس به رسولان، در پی صعودهای پنهان و علنی خداوند، تقریباً شبیه به اولین عطای روح القدس در تعمید برای تولد تازه و مراجعه روح هنگام تثبیت برای استحکام نوین است. به این ترتیب مسیحیان طریق تعمید و تدهین در رازهای صعود مسیح و نزول روح القدس، برای کار کردن در ملکوت خدا کامل می‌شوند.

اتحاد در راز آئین قربانی مقدس، از طریق شرکت در آئین سپاسگذاری صورت می‌گیرد. قربانی مقدس دریافت‌کنندگان را در بدن رازآمیز مسیح متحد می‌سازد و ایشان را به اعضای کامل کلیسا تبدیل می‌نماید. گناه را نابود ساخته، فیض را افزایش داده، فرد را تقدیس کرده، جاودانگی را فراهم آورده و ایمان را به منظور ورود به حیات مسیح عمق می‌بخشد. این خوراک روحانی دریافت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا در مسابقه نیکو برای

کسب تاج پارسایی که در آسمان به انتظارشان است (دوم
تیم ۴: ۷-۸؛ عبرا ۱۲: ۱) بدوند.

پ. بدن رازآمیز

آئین‌های ورود به عنوان واحدی یگانه ورود به کلیسا
یعنی بدن رمزآمیز مسیح را ممکن می‌سازند. پیوند ذاتی
آنها بیانگر عضویت کامل دریافت‌کننده شان در کلیسا
است. همانطور که مراقبت طبیعی رشد طبیعی برای بدن
آدمی را فراهم می‌سازد، مراقبت روحانی نیز فراهم‌آورنده
رشد روحانی برای بدن روحانی یعنی بدن رمزآمیز مسیح
است. چنان که ترتولیان می‌گوید: "بدن شسته می‌شود تا
روح از معصوم گردد، بدن تدهین می‌شود تا روح وقف
گردد. بدن مهر می‌گردد تا روح مستحکم گردد، بدن در

سایه دستگذاری فرو می‌رود تا روح نورانی گردد و بدن با تن و خون مسیح تغذیه می‌گردد تا خداوند به آن روح حیات دوباره بخشد."

همانطور که نیازهای طبیعی مانند هستی (تولد)، استحکام (محافظت) و پروردن (خوراک) نیازهای اولیهٔ کودک نوزاد هستند، همچنین نیازهای روحانی نظیر تولد روحانی (تعمید)، استحکام (تدهین) و تغذیه (قربانی مقدس)، نیازهای اولیه ضروری یک نوزاد معنوی هستند. در تولد جسمانی، هنگامی که نوزاد برای کسب محافظت در برابر ناتوانی‌های بدن گریه می‌کند، طبیعت یک قدرت محافظتی فوری (ایمنی) و تغذیه (شیر مادر) را برای پیشرفت بهتر این فرایند پدید می‌آورد. درست همانند تولد روحانی که در آن شخص نوایمان فوراً در برابر محدودیت‌های روحانی به وسیلهٔ تدهین (ایمنی) و قربانی

مقدس (تغذیه) برای پیشرفت بهتر رشد روحانی، مورد
محافظت قرار می‌گیرد. پس تعمید فرد را از نو متولد
ساخته، تدهین او را استحکام بخشیده و قربانی مقدس، بدن
رمزآمیز مسیح را تغذیه می‌کند:

نوزایی تعمیدی:

۱. گناهان را می‌آمرزد
۲. متولد می‌سازد
۳. فیض را جریان می‌بخشد

استحکام در تدهین:

۱. کمال را عطا می‌کند
۲. قدرت را می‌بخشد
۳. فیض را کمال می‌بخشد

تغذیه روحانی:

۱. اعانت فراهم می کند
۲. حیات می دهد
۳. فیض را افزایش می دهد

سده نخست

رسولان به صورت خصوصی وارد تعمید روح القدس شدند در خودِ روز رستاخیز، وقتی عیسی بر ایشان دمیده و فرمود: "روح القدس را بیایید؛ اگر گناهان کسی را ببخشایید، بخشیده خواهند شد و اگر گناهان کسی را نابخشوده بگذارید، نابخشوده خواهد ماند" (یو ۲۰ : ۲۲-۲۳). ورود علنی ایشان در روز پنطیکاست روی داد، که آنها را در هدایای روح القدس کامل کرد تا کارهای مسیح بر زمین را ادامه داده، از طریق آئین ورود مسیحی، چشم دیگران را به روی واقعیات روحانی بگشایند.

۱. تعمید در نام مسیح

مأموریت رسولی تعمید در نام عیسی به پذیرش برتری مسیح بر همگان به عنوان تنها خداوند و منجی (اعم ۴: ۱۲) اشاره دارد. تعمید نام مقدس عیسی را بر پیشانی مهر کرده، تعمیدیافتگان را قادر می‌سازد تا مسیح را رو در رو ببینند. (مکاش ۲۲: ۴). به همین ترتیب پطرس در اورشلیم (اعم ۳۸: ۲) و در خانه کورنلیوس (اعم ۱۰: ۴۸) از افراد خواست تا تعمید را در نام عیسای مسیح دریافت دارند. پولس در افسوس شاگردان یحیای تعمیددهنده را در نام مسیح تعمید داد (اعم ۱۹: ۵)

۲. دستور آئین ورود

در میان رسولان، دو ترتیب مختلف از انجام آئین ورود را می‌یابیم؛ تدهین-تعمید و تعمید-تدهین.

الف. تدهین - تعمید

در این روش نخست روح آمده آنگاه تعمید در پی می‌آید. روح از خلال شنیدن کلام خدا، بر شنوندگان قرار گرفته آنگاه ایشان تعمید می‌یابند. این نشان‌دهنده ضرورت تعمید است، برای آنان که روح را یافته‌اند. در نخستین موعظه پطرس در اورشلیم این اتفاق روی داد. موعظه او قلب شنوندگان را شکافت تا آن از روح پر سازد و آنگاه از ایشان خواسته شد تا مسیح را دریافت کنند. (اعم ۲: ۳۷-۴۲). در موقعیتی دیگر وقتی پطرس در خانه کورنلیوس موعظه می‌کرد، روح‌القدس بر آنان که کلام

او را شنیدند فرود آمد و آنان شروع به سخن گفتن به
زبانها کردند. سپس پطرس از ایشان خواست تا تعمید را
در نام مسیح دریافت دارند (اعم ۱۰: ۴۴-۴۸).

در اینجا شاهد روندی مشابه رویداد پنطیکاست هستیم.
نخست روح آمده و آنگاه چیزهای دیگر از پی می آیند.
پیامد سه شاهد نظیر روح، آب و خون (اول یو ۵: ۸) به
این ترتیب به حرکت درآمده اند. این به آن معنی است
که شهادت خدا از شهادت مردم عظیم تر است. ب. تعمید-
تدهین

در این روش نخست تعمید روی می دهد آنگاه اعطای
روح القدس از طریق دستگذاری انجام می شود. پولس در
افسس نخست دوازده شاگرد یحیا را تعمید داده آنگاه با
دست نهادن بر ایشان، روح القدس را به آنان بخشید (اعم
۱۹: ۱-۷). فلیپ شماس بسیاری را در سامره تعمید داد

اما از آنجا که نتوانست روح را به ایشان ببخشد، پطرس و یوحنا از اورشلیم شتافتند و با دست نهادن بر ایشان روح القدس را به آنان بخشیدند. (اعم ۸: ۱۲-۱۷). در اینجا شاهد روندی مشابه تعمید عیسی در رود اردن هستیم، هنگامی که روح القدس تنها پس از تعمید یافتن او بر وی نازل شد (لو ۳: ۲۱-۲۲). تمامی جهان مسیحی امروزه از این روند پیروی می کند.

ملاحظات

از این دو سنت، نخستین آنها کهنترین به شمار می رود، چرا که پیرو دستور رستاخیز-پنطیکاست است که در آن نخست روح عطا شده آنگاه دیگر چیزها در پی می آیند. به هر شکل برخی از عناصر نظیر مسح با روغن، زیر آب

فرو رفتن و قربانی مقدس در اینجا مورد اشاره قرار نگرفته اند.

۱. مسح با روغن

اشاره به مسح با روغن نشده است، شاید از آن رو که در عصر رسولان تأکید بیشتر از مسح، بر دستگذاری بوده است. به هر حال ارجاعات انجیلی بسیاری به مسح وجود دارد نظیر؛ عیسی آن مسح شده خداوند (لو ۴: ۱۸؛ اعم ۴: ۲۷؛ ۱۰: ۳۸)، مسح پا (لو ۷: ۳۸؛ یو ۱۲: ۳) و سر (مت ۲۶: ۷؛ مر ۱۴: ۳) عیسی، سنت مسح میهمانان (لو ۷: ۴۶)، مسح بیماران (مر ۶: ۱۳؛ ارم ۵: ۱۵) و مردگان (مر ۱۶: ۱؛ یو ۱۹: ۳۹-۴۰). با این وجود در این مرحله، چنان که یوحنا و پولس می گویند، مسیحیان مسح شدگان (اول یو ۲: ۲۰، ۲۷) و مهرشدگان مسیح (دوم قرن ۱: ۲۲) و

روح (افس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳۰؛ مکا ۹: ۴) با قدرت جهان الاهی
(دوم تیم ۲: ۱۹) به شمار می روند.

اگر چه در این مرحله، سنت یهودی مسح مورد اشاره
قرار نگرفته اما تأثیر احتمالی آن بر آئین ورود مسیحی را
نمی توان نادیده گرفت. تصریح الاهی مبنی بر استفاده از
روغنی خاص به جهت مسح (خرو ۳۰: ۲۲-۳۳) و مسح
پادشاهان (اول سمو ۱۰: ۱؛ ۱۶: ۳۰؛ اول پادا ۱: ۳۹؛ دوم
پادا ۹: ۶؛ ۱۱-۱۲) مسح کهنانتی (خروج ۲۸: ۴۱؛ ۲۹: ۱-۷؛
لاو ۸: ۱۲؛ اعد ۳: ۳-۴) و مسح نبوتی (اول پادا ۱۹: ۱۶؛
اول توا ۱۶: ۲۲؛ مز ۱۰۵: ۱۵) و مسح در آئین های ورود
نوایمانی یهودی و اِسنی نیز ممکن است بر فرآیند نخستین
آئین ورود مسیحی تأثیر گذارده باشند.

۲. غوطه‌وری

از آنجایی که اشاره چندانی به استفاده معمول از غوطه-وری نشده است، نیازی به ارجاع خاص به آن نیز وجود ندارد.

۳. قربانی مقدس

از آنجا که به خاطر نبود قربانای (*Qurbana*) روزانه و محافظت از آئین قربانی مقدس در این دوره، آیین سپاسگذاری همیشه در دسترس نبوده است، اشاره ای به برخورداری فرد تازه تعمید یافته از قربانی مقدس موجود نیست. با توجه به تعقیب و آزار در این دوره حتی برگزاری جشن آئین سپاسگذاری به شکل عمومی نیز در این دوره به چشم نمی‌خورد. با این ترتیب آئین ورود در

هر زمان و مکانی که امکان آن فراهم می‌شد، انجام می‌گرفت. به هر ترتیب آئین قربانی مقدس محور حیات مسیحی است، چرا که در هر یکشنبه به صورت خصوصی برگزار شده و تنها افراد تعمید یافته مجاز به دریافت قربانی مقدس آن بوده‌اند.

قرن دوم

۱. دیداش (Didache) (۵۰-۱۵۰م)

دیداش (تعلیمات خداوند توسط دوازده رسول به قوم‌ها) نخستین مدرک ثبت شده درباره آئین رسمی ورود در کلیسای اولیه است. این سند چنان که در پی می‌آید، به طور عمومی شامل دو بخش و پانزده فصل و یک نتیجه-گیری است:

بخش نخست: فصل‌های ۱ تا ۶ دستورالعمل‌های اخلاقی در باب دو مسیر؛ مسیر حیات و مسیر مرگ.

بخش دوم: فصل‌های ۷ تا ۱۵ نظام کلیسا در باب مسائل عبادی و آخرت‌شناختی (نتیجه‌گیری)

فصل ۷ - تعمید

فصل ۸ - روزه و دعا

فصل های ۹ و ۱۰ - دعا‌های آئین سپاسگذاری

فصل های ۱۱ تا ۱۳ - مأموریت‌های رسولان و انبیا

فصل ۱۴ - آیین سپاسگذاری یکشنبه

فصل ۱۵ - وضعیت اسقفان و شماسان

نتیجه‌گیری: آخرت‌شناسی

تمامی این سند متضمن آن است که آئین ورود بالغان شامل سه مرحله؛ آمادگی، تعمید و قربانی مقدس است.

الف. آمادگی

تعمیدخواستگان از طریق روزه و دعا برای تعمید آماده می‌شوند. (فصل ۸) آنها به منظور ابراز توبه یک تا دو روز پیش از تعمید را روزه می‌گیرند، درحالی‌که برگزارکننده و جماعت کلیسا روزه مختصری می‌گیرند.

ب. تعمید

تعمید به شکل غوطه‌وری در آب زنده (جاری یا در حرکت) یا ساکن گرم یا سرد در حضور چند شاهد (فصل ۷. ۱-۴) در نام سه گانه اقدس صورت می‌گیرد. تعمید با ریختن آب بر سر (effusion) تنها در صورت نبود آب کافی برای غوطه‌وری انجام می‌گیرد و اشاره‌ای به آب افشانی (sprinkling) نیز وجود ندارد.

از آنجا که متن اشاره‌ای دربارهٔ مجری تعمید در بر ندارد، احتمالاً تعلیم دهندگان افراد، نظیر رسولان، انبیاء، معلمان، اسقفان و شماسان به عنوان رهبران جماعت انجام این کار را به عهده داشته اند. (فصل‌های ۱۱-۱۳) بر طبق گفته ایگناسیوس اهل انطاکیه: "نه تعمید دادن و نه نگهداشتن یک agape (بخشیدن برکت الاهی) بدون دستور اسقف مجاز نیست". این به این معنی است که همه چیز می-بایست تحت کنترل اسقف باشد.

تعمید، دوره‌ای از تعلیمات اخلاقی در باب دو راه حیات و مرگ را بر اساس تعلیمات اخلاقی یهود که با تعالیم عیسا در عهدجدید کامل شده بود، در پی داشت. (فصل‌های ۱ تا ۶). به این ترتیب تعمیدخواستگان خود را به شیوهٔ زندگی مسیحی می‌سپردند.

پ. قربانی مقدس

بیرون فرستادن تعمیدنیافتگان پیش از آئین سپاسگذاری ایمانداران و دعوت تعمیدنیافتگان به شرکت در قربانی مقدس (فصل ۹: ۵ و فصل ۱۰: ۶) بیانگر رابطه میان تعمید و آئین سپاسگذاری است. و نشان می‌دهد که تعمید، نه تنها پیوستن به مسیح یعنی خداوند و منجی بلکه همچنین ورودی به جماعت ایمانداران یعنی پیروان او است. در دیداش (Didache) عضویت در کلیسا و تعهد به یک زندگی نیک، دو نکته اساسی برای تعمید یافته‌اند.

۲. نامه برنابا

اگرچه نام برنابا در متن آشکارا نیامده، دست‌نوشته‌ای که آن را به او منسوب کرده، نشان می‌دهد که ممکن است نویسنده اصلی ناشناس بوده و نامه اشتباهاً به برنابایی

ناشناس نسبت داده شده باشد، و نه به برنابای همراه پولس
(اعم ۴ : ۳۶) که محتملاً یک یهودی گرویده به مسیحیت
از سوریه یا آسیای میانه بوده است. نامه در دو بخش و
بیست و یک فصل ارائه دهنده تعلیماتی است در کمال
خرد و ایمان و اخلاق.

بخش یکم: بخش جزمی یا نظری در باب حکمت و ایمان
راستین (فصل‌های ۱ تا ۱۷)

بخش دوم: بخش عملی در باب تعلیمات اخلاقی (فصل‌های
۱۸ تا ۲۱)

فصل‌های ۶ تا ۱۱ نشان می‌دهند که چگونه آئین ورود
فرزندخواندگی فرزندان خدا را به انجام می‌رسانند و چگونه
روح ایشان را با تصویر و شباهت خداوند مهر می‌کند.
در تقابل با دیداش که بیشتر دربارهٔ برگزاری تعمید

صحبت می‌کند، رساله برنابا بیشتر دربارهٔ معنای تعمید صحبت می‌کند. نویسنده با ایجاد تمایز میان آداب مذهبی یهود در غسل تعمید و درک مسیحی از غوطه‌وری تعمیدی، تأثیرات تعمید در بستر مسیحی را شرح می‌دهد. تعمید لازمه دفاع از ایمان مسیحی در کلیسا است (فصل - های ۱-۱۶). در نظر نویسنده، یکشنبه مناسب‌ترین روز برای تعمید است. براساس خصوصیات ویژه تعمید مسیحی برای برنابا، می‌توان فرآیند احتمالی انجام آئین ورود را در سه مرحله تعلیم، تعمید و قربانی مقدس، خلاصه کرد.

الف. تعلیم

موعظه کردن کلام بخشنده، پیش از تعمید، براساس اصول اخلاقی، تعمیدخواستگان را به سوی ایمان برای جلال دادن خداوند در کلیسا، رهنمون می‌شود. «راه نور» در تقابل با «راه تاریکی»، وسایل رفتار نیک را در کلیسا فراهم می‌آورد، چراکه تعمید متضمن اعمال نیک توبه کارانه است.

ب. تعمید

تعمید در «نام خداوند» از خلال اعتراف ایمان و محبت با امید به رستاخیز، باعث آمرزش گناهان (اعم ۲: ۳۸) می‌شود. عبارت "گشودن دروازه معبد (که منظور از آن دهان است)" در فصل ۱۶: ۸ نشان‌دهنده اعتراف تعمیدی با کلمات است. اشاره به فرورفتن در آب و از آب

برآمدن (فصل ۱۱: ۸ و ۱۱) و آب "جاری" (فصل ۱۱):
۲، ۵، ۶، ۱۰) متضمن تعمید در آب روان (زنده) به عنوان
لحظه تعیین کننده یکی شدن با مسیح در مرگ و رستاخیز
او است.

برای برنابا ویژگی خاص تعمید بخشش گناهان است.
رابطه آب و صلیب آمرزش را سبب می‌شود. آمرزش
خلقت نوینی شایسته ورود به سرزمین موعود پدید می-
آورد. نو شدن تعمیدی به معنای خلقت روحی نوین،
برخورداری از دلی تازه به عنوان معبد خداوند، بیرون
راندن شیاطین و جاودانه زیستن است.

از این نظر به عنوان یک چشم انتظار بازگشت -
الاهیات آخرت‌شناختی ظهور در پایان هزاره - او زوال
همه چیز را در خلقتی تازه به عنوان طلوع سبت نوین
هزاره ملکوت (مکا ۱۵: ۱-۱۹) عنوان می‌کند. از آنجا که

هزار سال در چشم خداوند همچون یک روز است (دوم پتر ۳: ۸) شش روز خلقت نشان‌دهنده دوره‌های هزار ساله اند. این می‌تواند به این معنی باشد که در مدت شش روز، که مدت زمان شش هزار سال است، همه چیز با بازگشت دوباره مسیح برای داوری جهان، نابودی هر بدی و نوکردن هر نیکی پایان خواهد یافت. آنگاه نه دیگر خورشید و نه ماه و نه ستاره‌ای خواهد بود و او با رستاخیز مردگان در روز هفتم و آغاز دوره هزار ساله هفتم، به راستی خواهد آسود.

از این گذشته، تعمید تعهدی است مهر شده بر قلب. برخلاف مهر یهودی ختنه بدن، مهر مسیحی ختنه روحانی در تعمید، کار خداوند در روح القدس است. تعمید، فرآیند اتحاد در رازهای مرگ و رستاخیز مسیح است.

پ. آئین سپاسگذاری

این سند ظاهراً گونه‌ای مقدمه را برای معرفی نوایمانان به سرزمین موعود آسمانی با اشاره به پیشکش کردن شیر و شکر به آنها پیشنهاد می‌کند. (احتمالاً به همراه نخستین نان و شراب آئین سپاسگذاری پس از تعمید). تصویر این خوراک در تعمید همچنین به شیرِ حکمت و ایمان و غسلِ امید و وعده اشاره دارد که تعمیدیافتگان برای دلگرمی یافتن به وسیلهٔ ایمان، برای ورودشان به سرزمین موعود مسیح دریافت می‌کنند.

۳. چکامه‌های سلیمان (حدود ۱۴۰ م)

چکامه (Ode) یک شعر غنایی با مضمونی ویژه است. چکامه‌های سلیمان، با سبک یهودی و تفسیر مسیحی، شامل ۴۲ سرود مسیحی سریانی، نشئت گرفته از سوریه و

با اشارات فراوان تعمیدی است. اگرچه تمام مجموعه مضمون تعمیدی ندارد، بیانگر محتمل باورها و امیدهای مسیحیت سریانی از طریق تجربه عارفانه اثرات و ثمرات تعمید است. چکامه سرای این مجموعه، سلیمانی ناشناس نه سلیمان اهل اورشلیم که احتمالاً معلمی معروف بوده است، خود را با مسیح معرفی کرده، و تجربه خود از خداوند (ظاهراً در تعمید) را شرح می دهد. آنگونه که این سند نشان می دهد، اجرای آئین ورود شامل دو مرحله تعمید و قربانی مقدس بوده است.

الف. تعمید

اشارات احتمالی به تعمید در متن سند فراوانند. آب زنده از کوه خداوند تعمید یافته را سرمست می کند (چک ۱۱: ۶-۷، ۱۲ : ۲۸، ۳۸) آنگاه او نابخردی را از او برکنده، دور می سازد (چک ۱۱: ۱۲) ظاهراً به درآوردن انسان کهنه و در بر کردن آدم نوین، برای منور ساختن چشم ها برای دیدن مسیح. تبدیل تعمیدی متشکل از نجات از طریق ختنه دل، از سوی خداوند، به وسیله روح القدس اوست که حکمت الاهی فراهم آورده و تعمید یافته را همچون زمینی می سازد که شکوفه آورده و در ثمرات خود شادی می کند. (چک ۱۱: ۲-۴؛ ۹، ۱۲)

مضمون مرگ و رستاخیز با مسیح در تعمید، با عبور موسی از آب دریای سرخ (خر ۱۴: ۲۱) و گذر یوشع از

رود اُردن (یوش ص ۳: ۱۴-۱۷) به معنی گریز اسرائیل از نیروهای مخرب مرگ به سوی نیروهای سازنده حیات، از طریق پیروی از مسیح (مت ۳: ۱۳-۱۷) که از همان آب (اردن) عبور کرد، مقایسته می‌شود. (چک ۳۹ ک ۵-۱۳). ایمان تعمیدی در نام خداوند، نشان‌دهنده تجربه تعمیدی در گذر از دریای مرگ به همراه مسیح، به عنوان راه نجات است. به این ترتیب تعمید یافته نام خداوند را بر سر خویش می‌نهد (چک ۴۲: ۱۹-۲۰). این سرود ثمرات تعمید را چنین بر می‌شمارد: پسرخواندگی الهی، شادی راستین، جاودانگی، و مشارکت در حیات سه گانه اقدس. در نظر نویسنده، تعمید، دریافت کننده خویش را به چنگی تبدیل می‌کند که روح القدس بی‌وقفه آنرا می‌نوازد.

ب. قربانی مقدس

اشاره به نوشیدن جام شیر در شیرینی خداوند (چکا ۱۹ :۱) که به تعمیدیافته پیشکش می‌شود، ممکن است به مخلوط شیر و عسل برای تعمیدیافتگان در نامه برنابا (فصل‌های ۸ و ۱۳) اشاره داشته باشد. در قرون اولیه این امر برای اعضای جدید کلیسا که از طریق قربانی مقدس به اتحاد با مسیح می‌رسیدند، نشانهٔ ورود به سرزمین موعود آسمانی بود.

۴. ژوستین شهید (۱۶۵ م)

ژوستین که یک غیریهودی اهل سامره بود، در آسیا به مسیحیت گرویده، و حدود سال ۱۶۵ به خاطر دفاع از ایمان مسیحی در خلال تعلیماتش به شهادت رسید. سه اثر او شامل دو رساله مدافعه خطاب به امپراتور آنتونی پیوس

و آنتونی وروس و گفتگویی با تریفو که برای یوسیپیوس (تاریخ نگار یهودی هم عصر او) شناخته شده است، او بی خطر بودن آئین های مذهبی مسیحی را که در موقعیت های مختلف زندگی مسیحی انجام می شوند را به تفصیل شرح می دهد. فصل های ۶۱ و ۶۵ از نخستین مدافعه او به آئین ورود می پردازد. سنت آئین ورود مسیحی در نظر ژوستین شامل چهار مرحله است شامل تعلیم، دست گذاری، تعمید و قربانی مقدس.

الف. تعلیم

تعلیم به معنی آموزش ضرورت زندگی صادقانه به داوطلبان و ایجاد اشتیاق دعا و جدیت در روزه برای آمرزش گناهان، به منظور برانگیختن تشنگی روحانی آنها برای مسیحی شدن بود.

ب. تعمید

تعمید برای تولد نوین شامل سه بار غوطه‌وری در آب، با دستورالعملی تثلیثی در هماهنگی با پرسش در نام خدا، سرور و پدر همگان، و منجی ما عیسی مسیح و روح-القدس بود. دلیل این کار اجتناب از عادات بد و منش‌های شریرانهٔ ایجاد شده در تولد نخست انسانی، به منظور فرزندی خدا از طریق تولد دوباره در تعمید، بود. این غسل در نام عیسی مسیح مصلوب به فرمان پنتیوس پیلاتس و به نام روح‌القدسی که توسط پیامبران درباره عیسی پیشگویی شده بود، فرد را از نظر روحانی منور می‌سازد. احتمالاً تعمید در یک منبع آب بیرونی انجام می‌گیرد و آنگاه تعمید یافته به جماعت برادران که برای نیایش گرد آمده بودند بازمی‌گردد. تنها آنان که با تعمید پاکیزه شده اند می‌توانند در آئین سپاسگذاری شرکت جویند.

پ. دستگذاری

اگر چه هیچ اشاره‌ واضحی درباره‌ دست‌گذاری برای
إعطای روح‌القدس نشده است، اما به نظر می‌رسد که
ژوستن از آن آگاه است. نام بردن از نیایش مشترک
تعمید یافتگان، به طور ضمنی به دعای دست‌گذاری برای
نزول روح‌القدس به عنوان مُهرکننده‌ جانها اشاره دارد.
ممکن از آنجا که او بیشتر درگیر روشن کردن بی‌خطری
آئین‌های مسیحی برای امپراطور بوده، عمداً به جزئیات
مشخص رسوم نپرداخته باشد.

ت. قربانی مقدس

تعمید در جشن آئین سپاسگذاری انجام می‌گیرد. آئین
سپاسگذاری شامل رسومی است همچون معرفی نوایمانان
به جماعت، دعای همگانی برای جماعت حاضر و دعا

برای تعمید یافتگان و تمامی مسیحیان در همه جا، بوسه
صلح، تدارک هدایا، شکرگزاری و مشارکت در
(دریافت) نان و شراب و آب که توسط شماسان توزیع
می‌شود. شماسانی که انجام قربانی مقدس به نیابت از
غایبان را نیز بر دوش می‌گیرند.

۵. کلمنت اهل اسکندریه (۲۱۵ م)

برخی فصول آثار او شامل «گزیده‌ای از تئودوتوس»، «نصایح»، «مُربّی»، «متنوعات»، «اشعار نبوتی»، دربارهٔ آئین ورود مسیحی در مصر حدود ۱۵۰ میلادی صحبت می‌کنند. ظاهراً کلمنت نخستین کسی است که واژهٔ catechumenism را به معنی دوره‌ای از آموزش، پیش از ورود به مسیحیت به کار برده است. تنها نزدیک ۲۰۰، catechumenism در کلیسا به سنت تبدیل شده اند. برای او تمامی پروسه در پنج مرحله، چهار سال به طول می‌انجامد، اما در سنت ورود هیچ اشاره‌ای به تدهین و قربانی مقدس نشده است.

الف. آموزش (Catechsis)

سه سال از تعلیمات اخلاقی شامل آموزش فضایل مسیحی نظیر ایمان، امید، نیکوکاری و شکیبایی است. این آموزش داوطلبان را به انجام مُجدَّانۀ آن فضایل در زندگی روزمره برمی‌انگیزد.

ب. تمرین

سال چهارم تمرین، بر جنبه‌های عملی تجربیات روحانی، از طریق روزه، استغاثه، نیایش، دست‌گذاری، زانو زدن، تمرکز می‌کند. روزه چهارشنبه و جمعه آنها را به تزکیه درونی ملزم می‌سازد. دعا و استغاثه به ایشان کمک می‌کند تا با خداوند گفتگو کنند. دست‌گذاری (یا بالا بردن دست‌ها) و زانو زدن ایشان در پیروی از مسیح یاری می‌کند.

پ. آموزش پیش از تعمید

تعلیم ایمان به عنوان آموزش پیش از تعمید در هفته مقدس انجام می گیرد. تعلیمات در باب ایمان و روح القدس در این هفته، داوطلبان را قانع می کند که تعمید لحظه اعتراف ایمان در قدرت روح القدس است. ایمان و روح، جان را با حکمت الهی تعمق، برای درک بهتر رازهایی که در پایان این هفته جاری می شوند، تغذیه می کنند.

ت. تعمید

اگرچه کلمات هیچ توضیح روشنی درباره جشن تعمیدی نمی دهد، ظاهراً این رسم شامل دوری جستن از شیطان، برکت دادن با آب، غوطه وری یا ریختن آب بر سر، دوری جستن از شیطان، شرّ و راه های کهنه زندگی را در جهت کسب شایستگی دریافت تنویر آسمانی

فرزندان خدا، انکار می‌کند. آماده‌سازی آب تعمیدی همچنین شامل اخراج (exorcism) و برکت دادن آن می‌شود. اخراج، عناصر پست آب را نابود کرده و برکت دادن، عناصر برتر آن را تقویت کرده، آنرا تقدیس می‌کند. سنت تعمید با غوطه‌وری یا ریختن آب بر سر فرد، که در نام سه گانه اقدس انجام می‌پذیرد، نشان‌دهنده مرگ نسبت به گناه و حیات در مسیح است.

ث. آموزش پس از تعمید

این آموزش شامل تعلیمات نظری درباب استعارات تعمیدی است، که فرد را به وسیله از تن به در آوردن شخص کهنه به معنی بیرون کردن لباس کهنه شرّ و در برکردن انسان نوین، با دریافت فسادناپذیری مسیح، در

حیات و جاودانگی الهی سهیم می‌کند. این تبدیل از طریق مرگ و رستاخیز تعمیدی با مسیح صورت می‌گیرد. کمال به وسیله تولد نوین فراهم می‌شود. نوزادگان از طریق تعمید به شناخت (خدای) کامل می‌رسند؛ و آنان که خدا را می‌شناسند به هیچ چیز نیازمند نخواهند بود، چرا که خداوند همه چیز است. همانگونه که خدا تمام و کامل است، حکمت خداوند نیز تمامیت و کمال به همراه می‌آورد.

نورانی شدن در تعمید به واسطه قدرت الهی و نجات بخش نور صورت می‌گیرد. تعمید منظر خداوند (در چشم آدمی) را روشن کرده، با محو گناهانی که بر روح الهی سایه می‌افکنند، تاریکی را برطرف می‌کند. تعمید، نور الهی حکمت روحانی را برای سلوک اخلاقی بهتر، در

راستای تبدیل شدن به نور در خداوند (افس ۵: ۸) فراهم می‌آورد.

یک استعاره تعمیدی دیگر، غسل یا شستشو است که تمامی گناهان را کاملاً آمرزیده، عصیان‌ها را بخشیده، بدی را از میان برده و ناپاکی‌ها را پاک می‌کند. آمرزش تعمیدی، شخصیتی نوین خلق می‌کند، انسانی شایسته آنکه پیرو راستین مسیح باشد.

نشان مالکیت مسیح در تعمید مهر شده و نشان کامل محافظت خداوند در روح، حک می‌شود. برای کلمنت، آب تعمیدی روح را مهر کرده، با روح مسلح می‌سازد. از آنجا که هیچ اشاره‌ای به تدهین نشده، می‌توان گفت، غوطه‌وری یا ریختن آب بر سر برای او حکم مهر تعمیدی را داشته است. اصطلاحاتی نظیر "مهر حکمت" و "مهر

عدالت " که به تعمید اطلاق شده، همچنین مهر شدن را به
ایده تنویر و کمال مرتبت می سازد.

قرن سوم

در این دوره بیشتر بر جزئیات سنت ورود نظیر؛ اخراج، آموزش، رد شیطان، پذیرش مسیح، دستگذاری و تدهین با روغن تأکید شده است. با توجه به بحث و جدل‌های مسیح‌شناختی، رویه کلیسا درباره حفظ شروطی خاص برای آئین ورود، بسیار مشخص بوده است.

***Didascalia Apostolorum* ۱.**

این دستورنامه کلیسایی در سوریه که در نیمه اول قرن سوم که در اصل به یونانی نوشته شده، به مدیریت کلیسا و آئین‌های عبادی می‌پردازد. امروزه تنها نسخه سریانی متن کامل به نام "تعلیمات جامع دوازده رسول و شاگردان مقدس منجی ما" موجود است. نویسندگان در ظاهر یک اسقف کاتولیک است که در در میانه دهه اول قرن سوم

بین انطاکیه و اُدسا می زیسته است. اگرچه هیچ اشاره عملی به انجام سنت ورود موجود نیست، این سند حین صحبت از تعهد اسقفان، توبه گناهکاران، انتصاب و وظایف شماسان، بخشش از طریق تعمید و موهبت تعمید، اشاراتی به آن دارد. می توان چهار مرحله آئین ورود را در *Didascalia* شامل آموزش، تدهین پیش از تعمید، تعمید و قربانی مقدس دانست.

الف. آموزش

آنان که ایمان دارند و از زندگی گذشته خود توبه می - کنند می آیند تا تعلیمات سلوک اخلاقی زندگی بر اساس متون را، حین آئین کلام خدا در قربانی مقدس بشنوند، اما داوطلبان پیش از شروع قربانی مقدس مرخص می شوند چراکه شایستگی دریافت قربانی را ندارند.

ب. تدهین پیش از تعمید

از آنجا که تدهین پس از تعمید موجود نیست، این مسح پیشاتعمیدی برابر تثبیت روح القدس است. اسقف بر تعمیدخواسته دست نهاده، پیشانی را با روغن مسح می کند و یا روغن را بر روی سر ریخته و فرد را با قدرت روح القدس به مسیح وقف می کند و با تدهین سراسر بدن بوسیله شماسان مرد برای مردان و شماسان زن برای زنان ادامه پیدا می کند. این تدهین با مسح تقدیسی کاهنان و پادشاهان اسرائیل (لاو ۸: ۱۲؛ ۱ سمو ۱۰ : ۱-۶؛ ۱۶: ۱۳؛ اول پاد ۱: ۳۹) و همچنین عموماً با منابع اولیه سریانی در ارتباط است.

پ. تعمید

متن دربارهٔ روش تعمید واضح نیست، اما احتمالاً اسقفی که سر را تدهین می‌نماید، فرو رفتن در آب را نیز با اعلام نام الاهی به شکل سه گانه اقدس، به انجام می‌رساند. اسقف همچنین می‌تواند تعمید را به کشیشان و شماسان محول کند. شماسان زن نمی‌توانند تعمید دهند اما می‌توانند تنها تدهین پیش از تعمید زنان را برعهده بگیرند. تدهین سر و در آب فرو بردن تعمیدخواستگان با اعلام نام الاهی، حق ویژهٔ مردان است.

آثار تعمید عبارت اند از؛ آمرزش گناهان، ختنه روحانی دل و رهایی از بت پرستی. هدیهٔ تعمید پر کردن روح از روح القدس است. در مورد بدعت گذاران که با

کفر گویی سبب رفتن روح القدس می شوند اتحاد با کلیسا
از طریق دستگذاری اسقف ممکن می شود.

ت. قربانی مقدس

هنگام صحبت افتخاری که به اسقف داده شده است،
این سند به شرکت در قربانی مقدس اشاره می کند. افتخار
اسقف در با توجه به نقش او در آمرزش گناهان، نوزایی
تعمیدی، اعطای موهبت روح القدس، تغذیه با کلام حیات -
بخش و استوار کردن تعلیمات است که فرد تعمیدیافته را
قادر به شرکت در قربانی مقدس کرده، او را به وارث
وعدۀ خدا تبدیل می کند.

۲. Hippolytus (۲۱۵ م)

هیپولیتوس، سنت‌گرای معروف و از مخالفان پاپ، در اثرش با عنوان *سنت رسولان* (گرچه نویسنده این اثر هنوز محل سؤال است) به اعمال عبادی رومی در اوایل قرن سوم می‌پردازد. فصل‌های ۱۵-۲۲ این اثر شواهدی از فرآیند آئین ورود در طول سه سال به دست می‌دهند.

الف. آموزش

تعمیدخواستگان با همراه سرپرستان ایشان سه سال پیش از ورود در زمان آغاز روزه بزرگ نزد معلمان می‌آیند. معلمان درباره‌ی ایشان و وضعیت زندگی آنها پرس و جو می‌کنند و اگر قانع شدند، این افراد برای شنیدن کلام و تعلیم دیدن در هنگام مراسم عبادی برای سه سال پذیرفته می‌شوند. هر بار در پایان تعلیمات، داوطلبان دعا کرده و

معلمین یا مسئولین و یا افراد معمول حین دعا بر ایشان دست گذاشته و آنها را مرخص می‌نمایند.

در سال سوم در شروع زمان روزه بزرگ، آزمون دیگری درباره زندگی ایشان به عنوان افراد تعلیم‌دیده انجام می‌گیرد. با صحت نظر سرپرستانشان آنها برای شروع فوری آماده‌سازی برای آئین ورود تقسیم می‌شوند. که با انجام تطهیر و دستگذاری هر روزه بر ایشان پیگیری می‌شود. هنگام نزدیک شدن روز تعمید (هفته مقدس) اسقف باید هر یک از ایشان را تطهیر نماید و آنان را که مقدس و وفادار نیستند را کنار بگذارد. آنها که باید تعمید یابند، باید در پنج شنبه مقدس شستشویی کامل نموده و در جمعه نیک روزه‌دار باشند. در شنبه مقدس پس از تطهیر (روحانی از پلیدی‌ها) اسقف بر چهره ایشان دمیده بر پیشانی، گوشها و بینی ایشان نشان می‌گذارد. آنگاه

ایشان تمامی شب را بیدار به قرائت متون و تعلیمات می-
گذرانند.

ب. آئین ورود (فصل ۲۱-۲۲)

سنت ورود پس از آئین کلام خدا در جشن آئین
سپاسگذاری اجرا می‌شود.

یکم. وقف با آب و روغن

سپیده‌دم مراسم برکت دادن آب تعمید(جاری یا
ساکن) آغاز می‌شود. آنگاه اسقف با دعای شکرگذاری
"روغن سپاسگذاری" و "روغن تطهیر" را برکت می‌دهد.

دوم. انکار شیطان

هر کدام از افراد، شیطان و تمامی اعمال او را انکار
می‌نمایند.

سوم. تدهین پیش از تعمید

پس از انکار شیطان، اسقف هر یک از داوطلبان را با مسح کردن روغن بر پیشانی تدهین کرده، چنین می گوید: "باشد که هر روح (پلید) از شما دور گردد".

چهارم. تعمید

دستور تعمید نخست از کودکان شروع کرده بعد شامل زنان و آنگاه مردان می شود. رسم تعمید شامل سه مرحله زیرآب بردن به همراه پرسش "آیا تو ایمان داری؟" و سنت تأکید سه باره داوطلب به شکل "من ایمان دارم" است. والدین یا هر عضو خانواده می توانند سوالات را برای کودکان پاسخ دهند.

پنجم. تدهین پس از تعمید

هنگامی که داوطلب از آب خارج می‌شود، تدهین با روغن شکرگذاری انجام می‌گیرد. اسقف با دست گذاشتن بر آنها از روح‌القدس فرستاده شده توسط خداوند می‌خواهد تا ایشان را با فیض الاهی برای خدمت خداوند در کلیسای مقدس آماده سازد. آنگاه مشتی از روغن شکرگذاری گرفته بر سر داوطلبان ریخته و پیشانی ایشان را در نام سه گانه اقدس نشان می‌گذارد.

ششم. تدهین بدن

کشیش تمامی بدن داوطلب را با روغن شکرگذاری تدهین می‌کند. آنگاه ایشان بدنهایشان را پاک کرده لباس پوشیده و به کلیسا وارد می‌شوند. تدهین شدگان برای باقی

ماندن قدرت روغن مقدس بر بدن تا هفت روز از شستشو
پرهیز می کنند.

هفتم. قربانی مقدس

برای سنت آماده سازی، نان و شراب، شیر و عسل، و
آب بر قربانگاه می گذارند. در خلال این جشن،
برگزارکننده، کلام تأسیس را بر نان و شراب، کلام وعده
حیات جاوید را بر شیر و عسل و کلام حیات بخشی را بر
آب می خواند. اسقف نان قربانی (بدن مسیح) و کشیشان
و شماسان شراب (خون مسیح) را پخش می کنند. آنگاه
شماسان دیگر مخلوط شیر و عسل را به عنوان نشانه ورود
به سرزمین موعود آسمان، توزیع می کنند.

۳. ترتولیان (۲۲۰ م)

ترتولیان که در حدود ۱۹۵م به مسیحیت شمال آفریقا گرویده بود، نزدیک سال ۲۱۳م مونتانیست (*Montanist*) شده و بین سالهای ۲۲۰ تا ۲۲۵ درگذشت. فصولی از آثار او نظیر *De Baptismo* ، *De Corona* ، *Adversus Praxeam* ، *resurrection carnis* به شرح سنت‌های ورود در کارتاژ می‌پردازند. او به یکپارچگی آئین‌های ورود به عنوان رویکردی تمامیت‌گرا به انسان نام می‌برد. "تن، شسته می‌شود تا روح بی‌لکه گردد (تعمید)، تن با دستگذاری برای وقف شدن، محافظت و روشنگری جان با روح (تدهین) تدهین و نشانه‌گذاری می‌شود؛ و تن با بدن و خون مسیح تغذیه می‌گردد تا روح از خدا پُر گردد". توضیح او درباره تدهین پس از تعمید و

دستگذاری، بعدها غرب را وادار کرد تا تدهین را به عنوان رسمی جدا از باقی آئین ورود گسترش دهد حال آنکه شرق، همواره یکپارچگی این سنت را دست نخورده حفظ کرد.

اگرچه او مراسم آئین ورود را به شکلی نظم یافته توصیف نکرده است اما نزدیکی نوشته‌های او به عناصر سنت رسولان اثر هیپولیتوس، نشان‌دهنده گستره وسیع طبیعت آئین‌های ورود است. به هر حال تفاوت‌های اندکی نظیر اینها نیز به چشم می‌خورد:

الف. مدت زمان (آموزش)

هیچ مدت زمان معینی برای دوره آموزشی مشخص نشده است.

ب. زمان

با وجود اینکه آئین ورود می تواند هر زمان انجام بگیرد، بهترین زمان ممکن، عید رستاخیز و پس از آن عید نزول روح القدس است.

پ. برگزارکننده

اگرچه اسقف، برگزارکننده معمول مراسم است، در موارد ضروری، می تواند این عمل را به کشیشان، شماسان و حتی افراد عادی واگذار نماید.

ت. تعمید نوزادان

ترتولیان با تعمید نوزادان در شرایط معمول مخالف است؛ چراکه ایشان از نظر روانی به بلوغ لازم برای دریافت تعلیم ایمان و اخلاقیات مسیحی نرسیده اند، و درست مانند کودکان که برای تملک دارایی زمینی به بلوغ نرسیده اند، به همین ترتیب آنان برای ورود به مسائل آسمانی نابالغ اند. به هر حال به هنگام وجود خطر مرگ، در صورتی که سرپرستان نوزاد، وعده ایمان نوزاد را بدهند، او با این امر مخالف نیست. به هر حال پس از پنجاه سال مخالفت او با تعمید نوزادان دیگر در شمال آفریقا شنیده نشد. شرقی‌ها همواره از تعمید کودکان با توجه به اینکه فیض الهی ولو با وجود بی‌گناهی بر ایشان جاری است، دفاع کرده اند.

ث. *OT Antecedents*

او شماری از رویدادهای عهدقدیم را به عنوان تعمیدهای پیشین ارائه می‌کند. خلق زندگی (پید ۱: ۱-۲) به وسیله آب نتیجه اتحاد روح و آب است. آب طوفان (پید ۶-۸) و کبوتر سفید به ترتیب سمبل تطهیر و روح-القدس اند. عبور از دریای سرخ (خرو ۱۴: ۲۶-۳۱) سمبل آزادی از بردگی و نابودی دشمنان است. انداختن تکه چوب در آب تلخ برای شیرین ساختن آن (خرو ۱۵: ۲۲-۲۶) مظهر آن است که مسیح چشمه‌های طبیعی را به آبهای سلامتی تبدیل می‌کند. آب جوشان از صخره برای رفع تشنگی (خرو ۱۷: ۶؛ اعد ۷: ۲۰-۱۱؛ اول قرن ۱۰: ۴) نمونه ای است از تعمید مسیح برای رفع تشنگی روحانی. هفت بار شستشوی نعمان در رود اُردن (دوم پاد ۵: ۱۰) با یک بار غسل مسیح برای تطهیر در تقابل است.

۴. سپرین (۲۵۸م)

سپرین اهل کارتاژ (۲۴۸-۲۵۸) پیش از شهادت خود، بین سالهای ۲۴۹ تا ۲۵۸ از مخفیگاه خود، تعداد ۸۱ نامه را در توضیح تعلیمات نظری و مشکلات نظام کلیسای شمال آفریقا، به منظور راهنمایی ایمانداران در زمان تعقیب و آزار نوشت. تعداد کمی از این نامه‌ها که در سال ۲۵۶ در بحث دربارهٔ تعمید مجدد کافران نوشته شده اند، به رسوم تعمیدی مربوط اند. سنت های تعمیدی سپرین در تطابق با سنتهای تعمیدی ترتولیان هستند. به هر حال نظرات او در مباحثاتی نظیر تعمید نوزادان، تعمید بدعت-گذاران/تفرقه‌اندازان و تعمید بالینی بیماران، اطلاعات بیشتری دربارهٔ گسترش آئین‌های ورود در زمان او به دست می‌دهد.

الف. تعمید نوزادان

سیپریان برخلاف ترتولیان از تعمید نوزادان حمایت می‌کند. تعمید برای نوزادان یک نیاز فوری برای رهانیدن ایشان از بند گناه مرگ ایجاد شده توسط آدم و فرزندان او است (روم ۵: ۱۲-۱۴) برای رشد بهتر در تقدس، بهتر است از شر این مانع هر چه زودتر خلاص شد.

ب. تعمید بالینی

سیپرین از تعمید بالینی (به شکل آب افشانی) در برابر تعمید (به شکل غوطه‌وری) در کلیسا برای آنانکه جداً بیمارند دفاع می‌کند. در نظر او تأثیر این کار به علت کمبود روح به خاطر نبود غوطه‌وری کمتر است. به هر حال، وقتی که ضرورت، آب‌افشانی را ایجاب می‌کند، سنت نجات هرگز رحمت خداوند را در اهدای فیض الاهی

به فرد، کم یا ضعیفتر نمی کند (حز ۳۶: ۲۵-۲۶؛ اعد ۸: ۷). انجام آن به شکل جایگزین بهتر از انجام ندادن آن است. بنابراین پاشیدن آب در شرایط ضروری هم ارز غسل دادن است. احتمالاً تأیید ریختن یا پاشیدن آب در موارد ضروری، بعدها غرب را به جایگزین کردن این نوع تعمیدها با غوطه‌وری در شرایط معمول واداشته است.

پ. تعمید بدعتگذاران

بدعتگذاران می بایست پیش از ورود مجدد به آئین سپاسگذاری در کلیسا دوباره تعمید یابند. از آنجا که بیرون از کلیسای کاتولیک روح القدس وجود ندارد، برای او تعمید بدعتگذاران بی معنا بود. تعمیددهنده فرد بدعتگذار، نمی تواند آنچه را دریافت نکرده است، ببخشد. سیپرین در شورای کارتاژ (۲۵۱-۲۵۲) اعلام داشت که

نجات در خارج از کلیسا وجود ندارد، اما بدون انکار
رحمت خداوند.

نتیجه گیری

تاریخچه آئین ورود، شیفتگی کلیسا برای تکامل فرزندان خود را از ابتدای حیات مسیحی شان برای رشدی همه جانبه در زندگی روحانی، نشان می دهد. به این منظور او همواره اتحاد آئین های تعمید، تدهین و قربانی مقدس در سنت مسیحی آئین ورود را برقرار داشته است. این مسأله هم در تعمید کودکان و هم در تعمید بزرگسالان از آغاز مسیحیت وجود داشته است. رسولان با اطلاع از اندیشه مسیح، همواره در این راستا آئین های ورود را با هم، در مأموریت خود به انجام رسانده اند. برای رسولان آئین ورود متشکل از سه مرحله بود: ۱. آمادگی (اول تساء؛ عبرا ۶) به همراه آموزشهای اضافی تعمیدی به عنوان دستورات اخلاقی ۲. غوطه وری به نام عیسی (اعم ۲: ۳۸؛

۸: ۱۶؛ ۱۰: ۴۸، ۱۹: ۵؛ روم ۱۰: ۹؛ اول قرن ۶: ۱۱) یا به نام سه گانه اقدس (مت ۲۸: ۱۹) در رودخانه یا حوض یا در حمام خانه، توسط رسولان یا شماسان (اعم ۲: ۳۷-۴۲؛ ۸: ۱۲-۱۷؛ ۱۰: ۴۴-۴۸؛ ۱۹: ۱-۷؛ اول قرن ۱: ۱۴-۱۶) و ۳. دستگذاری یا تدهین احتمالی توسط خود رسول.

پس از گذر از زمانه عهدجدید به قرن دوم، با وجود شاهدان کم و گوناگون از جاهای مختلف، آئین ورود از سه مرحله زیر تشکیل می شده است: ۱. آماده سازی رسمی برای تعمید از طریق تعلیم اخلاقی به وسیله روزه، توسط داوطلبان و تعمیددهنده و جماعت کلیسایی؛ ۲. سه بار غوطه وری توسط اسقف محلی با پرسش و پاسخ های سه گانه، در بیرون از کلیسا و در کنار منابع طبیعی آب؛ یا سه بار ریختن آب در صورت کمبود منابع آب. و ۳. قربانی مقدس، به عنوان حق تعمید یافته، ورود او به اتحاد

کامل با بدن مسیح یعنی کلیسا را ممکن می‌سازد. سکوت
ظاهری دربارهٔ دستگذاری و تدهین در این دوره، غیبت
آنها را رد نمی‌کند. تمرکز بر توضیح بی‌خطر بودن این
آئین‌ها به علت وجود تعقیب و آزار در این دوران، احتمالاً
نگارندگان را از ذکر جزئیات آئین ورود در آئین
سپاسگذاری بازداشته است. به هر ترتیب دعای نزول
روح القدس بر افراد تازه تعمید یافته، پیش از قربانی مقدس،
به وجود این آئین‌ها اشاره دارد.

آئین ورود در قرن سوم متشکل است از تمامیتی در آئین-
ها شامل: برکت دادن آب، انکار شیطان، تطهیر
روحانی (یا اخراج)، غوطه‌وری، تدهین، دستگذاری،
ممه‌ور کردن با نشان صلیب و قربانی مقدس. آموزش
(*Catechumenism*) شکل بسیار پیشرفته تری می-
یابد. رستاخیز به مناسبترین زمان انجام آئین ورود تبدیل

می‌شود. تعمیددهنده معمول اسقف بوده اما می‌تواند اقتدار خود را بر اساس ضرورت شرایط واگذار نماید. دستگذاری به اولویت اسقف تبدیل می‌شود. بحث بر سر تعمید کودکان رد می‌گردد. مشکلات تعمید بالینی و تعمید بدعتگذاران مرتفع می‌گردد. به این ترتیب از زمان عهدجدید تا قرن سوم، شاهد گسترش تدریجی سنت‌های برگزاری آئین ورود هستیم بدون آنکه بر سنت‌های تعمید، تدهین و قربانی مقدس به عنوان کلیتی واحد که ورود به حیات مسیحی در کلیسا را ممکن می‌سازند، خدشه‌ای وارد شود.

